

ماهور

در این شماره می‌بینید:

- نقاشی دیجیتال
- سبک هنری رئالیسم
- لنز ماهور (بخش عکاسی)
- کاریکاتور به قدمت تاریخ
- نظم در بی نظمی
- گشتی در موزه
- ...و



اردبیر

فاطمه فیضی



مدیر مسئول

محمد کاظمی



صاحب امتیاز

کانون هنرهای
نفسی ماهور



صفحه آرا

بنا امیرحسین فاضلی



صراح جلد

محمد حسینی

فهرست

۲۲ وپژای

۲۴ رنالبسم

۲۴ عکاسی از آثار هنری
و نقاشی‌ها

۲۹ انادآبدین افداشه

۳۵ دنه‌شنه

۳۴ معرفف فیلیم

۳۸ معرفف کتاب

۳۹ روه نما

۴۵ آثار ارالی‌شما

۴ مقاله

۵ نزل پافنشش صلح لبقه
عمومی در هنر

۸ کارپکانهر، به قدمت نارپخ!

۱۰ نظم در بی‌نظمی

۱۲ فلسفه زیبایی
شناختی افلاطون

۱۴ گشتی در مه‌زه

۱۶ بی‌بیدی با بیدی به‌م!

۱۸ نتر پهنر ماهور

هر زمان که از آن اتاقهای سرد و بی نور بیرون می آمدم، در این فکر بودم که پس از آن، جلوه ای از هنر پناهگاه خوبی تصویرری زیبا یا کاغذ و مدادی برای خلق تصویرری زیبا... تنها وجوه زیبایی لذت می بُرد. روحی که از این خستگی هایش را در پناهگاهش می تکاند. چرا که منشاء روح و زیبایی یکی ست؛ خالق هر دو، پروردگار! خدایی که ذره ای از صفت خالق بودن را در وجود آفریده های خوشبختش قرار داد تا بتوانند از هیچ، زیبایی بیافرینند.

در آخر، برایت آرزو دارم بتوانی زیبایی خلق کنی، آرزو دارم زیبایی ها را ببینی، آرزو دارم ذوق درونت همیشه زنده باشد تا باز هم بتوانی از دیدن یک اثر خوب شگفت زده شوی، باز هم بتوانی چند لحظه مکث کنی برای شنیدن صدای یک ساز، دیدن یک تابلوی نقاشی در یک گالری کوچک باصفا در عصر آخرین روز هفته، یا تحلیل یک عکس هنرمندانه ی چاپ شده در روی مجله؛ دوباره تابستانها فکر رفتن به کلاس خوشنویسی به سرت بزند تا بتوانی بیتی را با خطی زیبا تقدیم به دوست عزیز کنی، باز هم مسیرت را کمی طولانی تر کنی برای گرفتن عکس آن گل خودرویی که فقط در اول فروردین کنار باغچه ی فلان خانه می روید، باز هم با ذوق جلوی ویتترین مغازه ی لوازم هنری به تماشا بایستی و برای خریدن آن جعبه ی مدادرنگی که بین همه ی وسایل هر روز به

تو چشمک میزند، حساب و کتاب کنی؛ و یا دست کم بتوانی تشویق کنی آنهایی را که زیبایی می آفرینند و از دیدن زیبایی ها می توانند لذت ببرند، چرا که این حداقل کاری است که در راه حفظ هنر می توان انجام داد.

نسل پافنن صلح بقیه مهمی در هنر

بهنام ثبانی



تحول خواه مثبت یا منفی شده است. اما از آنجایی که موسیقی در سطح اجتماع برای عوام به واقع محل آرامش و تفکر و البته گاهی هیجان و شغف برای شروع و کشتن ویروس انفعال و خمودگی در جامعه شهری و شلوغ است؛ تغییر و تحولاتش بیش از دیگر حوزه ها به چشم می خورد.

افزون بر این به دلیل ارتباط مستقیم مخاطب با اثر، آن هم در شرایطی که شاید مخاطبان زیادی از روی هیجان یک اثر را در افکار جامعه پیروانند، می تواند خود دلیل قابل توجهی برای تغییر سبک و مسیر در حوزه موسیقی شود.

اگرچه نسل امروز به مراتب بیشتر از نسل های قبل به دنبال تحرک، هیجان و

در یک جامعه آرمانی هنر هم مرحم است هم مولد؛ هم جرقه خلق شگفتی و تحیر است هم آغوشی برای هیجان یا خالصه در بطن جامعه.

آنچنان که می دانیم هنر یک خانواده اصیل از حوزه ها، واژه ها، سبک ها، فرهنگ ها و دیدگاه ها را شامل می شود.

که در حد توان در این مطلب به گوشه هایی از کنش ها و راه حل های موجود برای کنش های مخرب می پردازیم.

فی مابین حوزه های مختلف هنر آنچه به عنوان ویتترین و نمود عینی بخش بیشتری از جامعه را درگیر خود می کند، موسیقی است.

اگرچه طی دوره های مختلف تاکنون حوزه های دیگری هم دچار تغییر و

درحالی که در گذر زمان این موضوع به گونه ای تغییر کرد که محل الهامات خالق اثر در درون وجود او جای گرفت، خواه دورانی مثل کودکی، اتفاقاتی مثل شکست در زندگی و موضوعاتی از این قبیل.

این موضوع فی نفسه باعث می شود که هنر ملموس تر، عوام فهم تر و بیش از پیش از جنس دغدغه های روزمره شود که می توان گفت حرکت مثبتی برای پیشرفت جامعه است.

اما چیزی که نگران کننده است دور شدن اثر هنری از رسالت اصلی خود یعنی تعالی بخشی است.

وقتی اثر تبدیل به عقده گشایی برای خلاهای درونی یا بیرونی و در روابط بین فردی شود، ناخودآگاه در جامعه فرهنگی که منشا اثر از آن نشات می گیرد را متبلور می کند. از خشم و افسردگی گرفته تا ناامیدی و پوچ گرایی.

در حوزه های مختلف دیگر هم، همانطور که گفته شد این تغییرات بوده است. اما در نگاه عموم جامعه آنچنان که باید و شاید به چشم نمی آید.

مثلا در زمینه نقاشی از رنسانس تا رمانتیک آثاری که توصیفی نمایشی بودند، به شدت مورد استقبال قرار گرفتند. آثاری که واقع بینانه اطراف را به تصویر می کشیدند و در واقع کاملا با مهارت هنرمند ارتباط مستقیم داشتند.

اما پس از آن که سبک های مفهومی پای به جهان هنر نهادند، ابتدا به شدت مورد نکوهش و تمسخر قرار گرفت؛ ولی چندی بعد محل آرامش، تعمق درمسائل پیرامونی و کشف نگاه هنرمند گردید.

در زمینه شعر اگر بنگریم دوره ای که شعر از ورطه شعر سنگین، نثرآگین و به اصطلاح عامیانه، قلمبه سلمبه بیرون کشیده شد زمانی بود که نیما، جهت ریل قطار این هنر را به سمت و سوی دیگری

پویایی مضاعف است و در واقع می توان گفت قصد دارد تمام انرژی و پویایی را از سطح موسیقی دریافت کند؛ البته گفتنی است که نه همگان.

در حالی که هر موسیقی یک سطح دارد و یک عمق، عمق آن متناسب با میزان آمادگی فرهنگی فرد رقم می خورد؛ هرچه یک فرد غنی تر باشد، مطالعه بیشتری داشته باشد، نگرش اجتماعی دقیقتر و تعمق بیشتری را از خود بروز دهد، میزان تاثیر موسیقی در او بیشتر است.

ذکر این نکته ضروری است که پیدایش سبک های جدید موسیقی در یک جامعه نه تنها محل اشکال و نشانه تنزل نیست که مایه ی تحرک، رشد و جلوگیری از رکود جامعه است. اما آنچه این موضوع را در نگاه اهل فن این حوزه حساس جلوه می دهد، جهتی است که این سبک ها به مسیر اصلی موسیقی می دهند، و مخاطب را به سمت آن مسیر هدایت و پس از چند دوره ناخودآگاه سلیقه یک جامعه را تحت الشعاع قرار می دهند. مگر نه اینکه در موسیقی پاپ هنرمند تامین کننده خواسته های عمومی است.

حضور و وجود همه ی سبک ها در جامعه واجب است چرا که جامعه از گستره وسیع خلق و خو و تفکرات مختلفی تشکیل می شود که البته برآیند همه این تفکرات و خلق و خو ها باید در راستای آرامش و تعالی جامعه باشد وگرنه باطل است.

نکته ای که شایان ذکر است بحث خودمحور شدن هنرمند در خلق آثار است. اگر در آثار پیشین بنگریم؛ محل الهام هنرمند جایی بیرون از وجود او بوده است، در واقع می توان گفت هنرمند در آن زمان برای خلق اثر وسیله بوده است نه خالق. این موضوع را در آثاری مثل تخت جمشید، یا اشعار سنایی و عطار می توان مشاهده کرد.

برد. اگرچه که تفکر نیما تفکرانی از بطن وجود خودش بود و در آن زمان برای به تکاپو انداختن جامعه ی هنری خود خون دل ها خورد. ولی مسیری را خلق کرد که پرورش دهنده ی روح تفکر چه در شاعران و چه در مخاطبان بود.

آنچه واضح است الگوها و ساختارهای متفاوتی می تواند تعیین کننده تغییر یا تعدیل ویا حرکت عکس در مسیر هنر باشند از سلبریتی ها و رسانه های جمعی گرفته تا سطح اقتصادی مردم که به موجب آن مشکلات و موانع مختلفی رخ می نماید. اگر کتاب این عنصر کیمیاگری فرهنگی-که البته خودش هم درگیر تغییر و تحولات گاه منفی می شود- زیر چتر توسعه و توجه قرار بگیرد بی شک هر فکری را برای پویایی در بستر تفکر مهیا می کند.

مادامی که سطح سلیقه ی فرهنگی جامعه در جای خودش درجا بزند و افزون بر سرگرمی به تعالی خویش اهتمام نرزد، مارکتینگ را به سمتی پیش خواهد برد که هنرمند برای بقای خویش از خیر تعالی، اگر نگوئیم کاملاً ولی تا حد زیادی، بگذرد. و مادامی که حلقه ی اول این سیکل یعنی سطح جهان بینی، تفکر، خواهان رشد بودن و پیش گیری از انفعال، از جامعه محو نشود، این سیکل معیوب مارکتینگ و تقاضای مردم آنقدر ادامه پیدا می کند که تصور انتهای آن برای جامعه ای با فرهنگ غنی از کرد و لر و بلوچ تا عرب و عجم، اصلاً جلوه ی خوشی ندارد.

در کلام آخر باید گفت هیچ تغییری در جلوگیری از تنزلی که ممکن است برای هنر ایرانی اسلامی مان رخ دهد، بیشتر از تغییر خود مردم و اجتماع مفید واقع نخواهد شد.

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»
شادکام و پیروز باشید.

کارپکانه، به قدمت نارپنج!

فاطمه فیضی



یکپارچه سازی در رسانه‌ها استفاده می‌شود و تصویرگری معاصر طیف گسترده‌ای از سبک‌ها و تکنیک‌ها، از جمله نقاشی، کولاژ، مونتاز، طراحی دیجیتال، چند رسانه‌ای و مدل سازی 3D را شامل می‌شود. اغلب تصویرگران معاصر به صورت مستقل کار می‌کنند. بسته به هدف، تصویرسازی ممکن است پر معنا، بسیار تکنیکی، سبک‌وار یا واقع‌گرایانه باشد. همچنین تاریخچه‌ی پیدایش آن به پیدایش و ظهور صنعت چاپ برمی‌گردد و برخلاف کاریکاتور از طنز برخوردار نمی‌باشد.

یک نوع یگر نقاشی هم، نقاشی فانتهی است که در سال‌های اخیر ابداع شده و شاید بتوان منشأ پیدایش آن را شرق آسیا دانست. نقاشی فانتهی مثل برخی سبک‌ها در آموزش موسیقی نوین است و با ایجاد نوآوری تلاش دارد تا مسیرهای جدیدی را خلق کند. در این سبک نقاشی، اجزای طرح به صورت سمبلیک اما غیرواقعی نقاشی می‌شوند. کارتون‌های آسیایی را قطعاً دیده‌اید، شخصیت‌هایی با چشم‌های گرد، موهای متفاوت و اندامی شبیه انسان که جزئیات آن تغییر کرده است. یکی از نام‌هایی که روی این سبک نقاشی می‌گذارند انیمه است. انیمه در حقیقت یک سبک طراحی با دست یا کامپیوتر است که ابداع آن از ژاپن شروع شده است.

با دیدن یک نقاشی فانتهی می‌توانید پی ببرید که به یک انسان نگاه می‌کنید یا یک حیوان. شاید حتی نوع حیوان را نیز بتوانید حدس بزنید، اما از نظر جزئیات با

از این شماره‌ی نشریه‌ی ماهور، یک بخش را به کاریکاتور اختصاص داده‌ایم که ادامه‌ی بحث را در شماره‌های بعدی خواهیم آورد، امید است که مفید واقع شود.

بارها پیش آمده است که یک نقاشی جالب و گاهی طنز را دیده‌ایم ولی در نهایت نتوانسته‌ایم به طور قطع بگوییم که آن نقاشی کاریکاتور است یا یک نقاشی فانتهی، یا تصویر سازی؟ یا اصلاً کارتون به حساب می‌آید یا...

در روزنامه نگاری کارتون به معنی نقاشی فکاهی یا هجایی است که با رعایت مبالغه ترسیم شده و غالباً با نوشته همراه است. در کارتون‌های سیاسی غالباً از کاریکاتور استفاده می‌شود. کارتون‌های سیاسی نخستین بار در قرن شانزدهم میلادی در دوره‌ی اصلاح دین به کار رفت. در قرن هجدهم میلادی در انگلستان بر اثر آثار هوگارت و دیگران، کارتون عنوان جزء ضروری روزنامه‌ها را پیدا کرد. در اوایل هزاره‌ی هشتاد و چهارم میلادی کارتون به تصاویر پی در پی اطلاق می‌شد که دارای سوژه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و نظایر آن بود. در ایران فارسی زبانان واژه‌ی «کارتون» را در مفهوم cartoon animation (نقاشی متحرک) در نظر می‌گیرند و به کار می‌برند و هر نوع نقاشی فکاهی و طنز دیگر را با عنوان «کاریکاتور» می‌شناسند.

تصویر سازی چیست؟ آیا همان کاریکاتور است؟ در پاسخ باید بگوییم خیر! تصویر سازی نوعی دکوراسیون یا توضیح بصری یک متن، مفهوم یا فرایند است که برای

بود که مدال نقره جشنواره کاریکاتور ژاپن و مدال برنز برلین را دریافت کرد.

و در آخر باید بدانیم که کاریکاتور انواع مختلفی دارد از جمله:

کاریکاتور ساده: در این کاریکاتور طراح، تناسب اعضای بدن انسان و اشیا را تغییر می‌دهد.

کاریکاتور هجایی: این طرح‌ها کاریکاتورهایی هستند که ضمن تغییر، عیب جو و ریشخندکننده نیز هستند. در کاریکاتورهای سیاسی، بیشتر از این طرح‌ها استفاده می‌شود.

طرح‌های کمیک: معمولاً ژورنالیست‌ها، صفحه فکاهی خود را از این طرح‌ها پر می‌کنند. هدف اصلی این طرح‌ها بیشتر خنداندن خوانندگان روزنامه یا مجله است و طراح، اهداف تزئینی یا اجتماعی را دنبال نمی‌کند.

طرح‌های ساده: نقش اصلی و اساسی آن انتقاد و تفسیر کارها و فعالیت‌های روزانه در روزنامه و مجلات است.

طرح‌های فانتری: این طرح‌ها هم کم و بیش کمیک هستند اما تخیل در آن‌ها نقش اساسی دارد.

نقاشی رئال آن تفاوت‌های بسیاری دارد و همچنین نباید نقاشی فانتری را با کاریکاتور و کارتون اشتباه گرفت.

هم چنین شاید به واژه‌ی کاریکلماتور نیز برخورد کرده باشید! کاریکلماتور؛ ترکیبی است از دو واژه‌ی «کلمه» و «کاریکاتور» که اولین بار پرویز شاپور آن را به نوشته‌های خود نسبت داد و باید توجه داشته باشیم که در واقع نوعی نثر است؛ نه نقاشی! و چون جنبه‌ی طنز دارد اینگونه نامیده شده است و باز هم نباید آن را با کاریکاتور اشتباه گرفت.

سوال، کاریکاتور چیست؟ کاریکاتور نوعی نقاشی است که کاریکاتورپرست در آن سوژه‌ی مورد نظر را به صورت طنز و خنده آوری ترسیم می‌کند. به نظر می‌رسد برای اولین بار شخصی به نام «موسینی» در سال هزاروششصدوچهل‌وشش میلادی این واژه را به کار برد و لفظ آن را از «کاراچی»، یعنی نقاشی‌های خیابانی بلونیایی هم عصر خویش گرفته بود.

زیرا در آن نقاشی‌ها همواره عناصر اغراق‌آمیزی بودند که از جنبه‌ی طنز برخوردار بودند. مثل بزرگ‌تر از حد معمول نشان دادن بینی، گوش‌ها یا عینک و کوچک‌تر از حد معمول نشان دادن دست‌ها و پاها و جثه‌ی افراد.

تاریخچه‌ی پیدایش کاریکاتور به خیلی پیش از اختراع صنعت چاپ در دنیا برمی‌گردد و در عصر باستان شناخته شده بوده و رواج داشته است. در واقع سنت کاریکاتور سازی که اساس آن تاکید بر جنبه‌های خنده آور اشخاص است، در قرن هفدهم میلادی به دست «آگوستینو کاراچی» در ایتالیا پایه‌گذاری شد.

از جمله کاریکاتورپرست های ایرانی می‌توان به «توکا نیستانی» و «مسعود مهربانی» اشاره کرد. مسعود مهربانی اولین ایرانی بود که چندین نمایشگاه کاریکاتور در خارج از کشور برگزار کرد و همچنین اولین ایرانی

نظم در بی‌نظمی

-- معرفی هنرمند --

بلا دهقانی

انتزاعی مدرن سیر کرده است. منیر شاهرودی فرمانفرمائی‌ان در سال ۱۳۰۱ خورشیدی در شهر قزوین متولد شد. هشت ساله بود که به همراه پدرش که نماینده مجلس شده بود، به تهران آمد. سرگرمی پدر «طراحی فرش» و اداره یک «کارگاه قالیبافی» بود. منیر از بچگی به نقاشی گل‌ها علاقه‌مند شد و در ادامه در دانشکده هنرهای زیبای تهران تحصیل کرد.

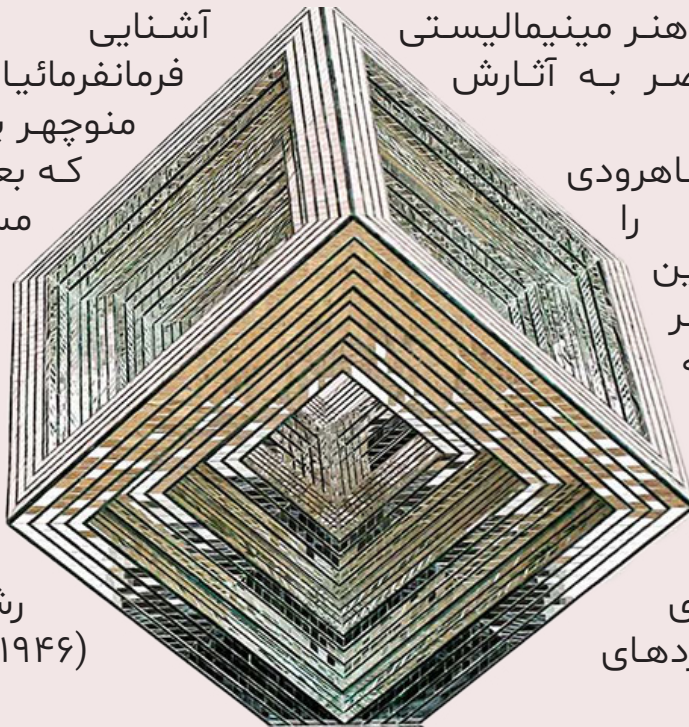
یک تاریخ هنرنویس و باستان‌شناس آمریکایی در همین سال‌ها توجه منیر شاهرودی فرمانفرمائی‌ان را به خطوط و فرم‌های خوش‌ترکیب و ساده‌ی اشیای باستانی جلب کرد؛ به همین دلیل او تصمیم گرفت به پاریس که مرکز هنرهای آوانگارد در اوایل قرن بیستم بود، برود.

آشنایی منیر شاهرودی فرمانفرمائی‌ان با دوستانی از جمله منوچهر یکتایی نقاش و شاعر که بعدها با او ازدواج کرد، مسیر او را تغییر داد. او در سال ۱۳۲۴ با قایق بخاری در جریان جنگ جهانی دوم عازم ایالات متحده شد و به مدت سه سال در مدرسه طراحی پارسونز در رشته تصویرسازی مُد (۱۹۴۶-۱۹۴۹) و دانشگاه

بانویی که تناقض‌های بین هنر سنتی و مدرنیته را نقطه عطف کار خود قرار داد مواجهه منیر فرمانفرمائی‌ان با نقاشی، رویارویی سنت با مدرنیته است. آثار مرحوم منیر، تقابل شگفت‌انگیز نظم در بی‌نظمی است. آثاری پرکار و درخشان که با آینه‌کاری‌های نوآورانه منیر، مخاطب را به سفری به بلندای رویاهای دلنشین یک بانوی ایرانی عاشق فرهنگ و تمدن ایرانی می‌برد که در کارهایش، نوع نگرش هنرمندان بومی و سنتی ایرانی را می‌توان کاوش کرد.

در آثار این بانوی هنرمند از سویی استفاده از اشکال هندسی، بازتولید گره‌چینی‌ها و آیینه‌کاری‌های معماری پرشکوه ایرانی و از سوی دیگر، زبان صریح و فرمالیستی آثارش، همراه با بیان دستاوردهای هنر مینیمالیستی غرب، بیانی معاصر به آثارش بخشیده است.

منیر شاهرودی فرمانفرمائی‌ان را هندسه‌گرا ترین هنرمند عصر حاضر ایران می‌دانند که مجموعه آثارش در بیش از نیم قرن، پیوسته میان اشکال منظم و ریتمیک هنرهای سنتی و رویکردهای



ساخت. «پانلهایی بزرگ برای هتل لاله»، «دو آینه بزرگ برای فرهنگسرای نیاوران»، «یک پانل اتاق خواب در کاخ نیاوران»، «یک مجسمه برای باغ موزه فرش» و ... از جمله این آثار است.

منیر شاهرودی فرمانفرمائی‌ان در سال ۲۰۱۵ نخستین هنرمند ایرانی شد که آثارش در یک نمایشگاه انفرادی در موزه گوگنهایم به نمایش درآمد. نمایشگاه گوگنهایم نشان دهنده ۴۰ سال زندگی هنری ایشان است. یک قسمتی از این نمایشگاه در موزه گوگنهایم در مقابل پنجره‌ای رو به پارک مرکزی قرار دارد؛ گویی سنت و هنر امروزی ایرانی با دنیای مدرن نیویورک در حال مکالمه است.

در ۲۴ آذر ۱۳۹۶ نیز تالار دائمی منیر فرمانفرمائی‌ان در باغ موزه نگارستان افتتاح شد؛ همچنین کارهای خانم فرمانفرمائی‌ان در کتابی به عنوان «یک آینه باغ» در سال ۲۰۰۷ میلادی به چاپ رسیده است.

متأسفانه ایران اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸، منیر شاهرودی فرمانفرمائی‌ان، یکی از برترین چهره‌های نقاش خود را بر اثر کدورت سن از دست داد که پس از درگذشت استاد مشایخی، دومین ضایعه برای جامعه هنری کشور بود.

بی‌شک یاد و خاطره منیر فرمانفرمائی‌ان همواره در ذهن هنردوستان ایران و جهان باقی خواهد ماند؛ به تجربه بزرگان ثابت شده است که:

آنچه از دل برآید؛ بر دل نشیند لاجرم

کرنل (۱۹۴۸-۱۹۵۱) به تحصیل پرداخت. او در اواسط دهه ۱۳۳۰ به عنوان تصویرگر مُد برای نشریاتی چون تاون، کانتیری و گلامور طرح لباس می‌کشید و به عنوان گرافیست تجاری و طراح مُد برای فروشگاه‌های بزرگ کار می‌کرد. در همین زمان با اندی وار هول را ملاقات کرد که این دوستی سبب شد وار هول یکی از تابلوهای سیلک اسکرین مجموعه مرلین مونرو را به منیر هدیه کند.

منیر فرمانفرمائی‌ان پس از جدایی از منوچهر یکتایی نقاش و شاعر معاصر با ابوالبشر فرمانفرمائی‌ان دانشجوی حقوق دانشگاه کلمبیا ازدواج کرد و نام خانوادگی او را به عنوان نام هنری خود برگزید.

او بعد از ۱۳ سال در سال ۱۳۳۶ به ایران بازگشت. منیر سفرهای متعددی به مناطق مختلف ایران داشت و در همین سفرها با فرهنگ و هنر بومی و سنتی مناطق مختلف ایران آشنا شد. این سفرها سبب شد او مجموعه‌ای شامل بیش از ۶۰ نقاشی قهوه‌خانه‌ای، بیش از هزاران قطعه نقاشی پشت شیشه، انبوهی از جواهرات نقره‌ای ترکمن‌ها، تعدادی در، قاب‌های پنجره و پانل‌های دیواری نقاشی‌شده گردآوری کند.

منیر در اواخر دهه ۴۰ خورشیدی به سبک ویژه خودش رسید که ترکیب تکنیک قدیمی نقاشی پشت شیشه، آینه‌کاری، خاتم‌کاری و هندسه اسلامی و طراحی معمارانه بود. تا پیش از منیر کسی این نمونه کار را به‌عنوان اثر هنری مستقل ارائه نکرده بود. در این سال‌ها منیر چند اثر آینه‌کاری برای اماکن عمومی

فلسفه زیبایی شناسی افلاطون

هسین صفایی

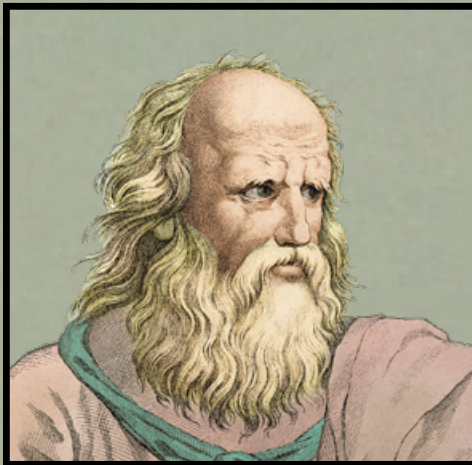


پرسشگری ویژه‌ی خود و هیپپاس با پاسخ‌های خود می‌کوشند تا به تعریفی از زیبایی دست پیدا کنند. پس از پرسش و پاسخ‌های پیاپی که به نتیجه‌ای مشخص منتهی نمی‌شود؛ سرانجام سقراط می‌گوید: ((زیبا دشوار است.))

این عبارت به قشنگی، دشواری اندیشیدن به ذات و چیستی زیبایی را بیان می‌کند.

در فلسفه‌ی «افلاطون»، فیلسوف نامدار یونان باستان، فلسفه‌ی زیبایی شناسی و هنر جایگاه ویژه‌ای دارد.

افلاطون برای پاسخ به بسیاری از پرسش‌های فلسفی، دنیایی ماورایی را به میدان می‌آورد که آن را «عالم مُثُل» یا «عالم مثال» می‌نامد.



از نگاه افلاطون هر موجود یا مفهومی که در دنیای مادی ما وجود دارد در واقع سایه یا جلوه‌ای ناقص از وجودی برتر در عالم مُثُل است. مانند سایه‌هایی از اشیا که در مسیر نور روی دیوار نقش می‌بندد. به عنوان مثال صندوقی که شاید اکنون روی آن نشسته‌اید در واقع سایه یا نسخه‌ی دست دومی از صندوقی ایده آلی در عالم مثال است!

در نگاه افلاطون، هر آنچه که ما آن را زیبا می‌دانیم دارای جلوه‌ای از مُثُل زیبایی است که باعث می‌شود آن جسم یا مفهوم

با نگاه به نخستین دوره‌های تاریخ تمدن بشری و کوشش انسان برای آفرینش هنر و زیبایی، می‌توان دریافت که پرسش «زیبایی چیست؟» از روزگاران کهن ذهن بشری را به سوی پاسخ به خود فراخوانده است.

پرسشی که در پهنه‌ی تاریخ اندیشه‌ی بشری از فلاسفه‌ی یونان تا فلسفه‌ی مدرن، همچنان استوار برجای مانده است.

روشن است که پاسخ به این پرسش کاری بس دشوار است. البته شاید در نگاهی گذرا به پدیده‌ها بتوان ویژگی‌های زیبایی را همان تعریف زیبایی در نظر گرفت. مثلاً می‌توانیم زیبایی را همان تناسب در اجزا و اندازه‌ها بدانیم یا شاید با نگاهی دیگر، بتوان ادعا کرد که زیبایی همان سودمندی است.

اما با نگاهی ژرف‌تر در خواهیم یافت که این پاسخ‌ها چندان قانع کننده نیستند. برای مثال می‌توان گفت که ((خورشید دارای نور است)) اما نمی‌توان بیان کرد که ((خورشید همان نور است!)) یا می‌توان گفت که ((دریا آبی رنگ است)) اما نمی‌توانیم بگوییم که ((دریا یعنی رنگ آبی!))

در رساله‌ی «هیپپاس» نوشته‌ی «افلاطون» به مکالمه‌ای میان «سقراط» و «هیپپاس» بر می‌خوریم. در این گفتگو سقراط با

از روی یک ظرف پر از میوه کشیده می شود حتی کارکرد خود آن ظرف را هم ندارد مثلا نمی توان از میوه های آن خورد! به بیان دیگر افلاطون بیشتر می کوشد ارزش هنر را با کارکرد آن و به ویژه کارکرد پرورشی و اجتماعی آن بسنجد و از این منظر میان هنر و پزشکی و صنعت گری فرق چندانی نمی گذارد. اگرچه امروزه در عرصه ی فلسفه ی هنر، اندیشه های افلاطون جایگاه چندانی ندارند و نقدهای بسیاری بر فلسفه ی زیبایی شناختی او وارد است؛ می توان اثرات اندیشه ی او را به روشنی در هنر امروز و نحله های هنری گوناگون آن مشاهده کرد. اندیشه های اندیشمندان پس از افلاطون در همراهی یا مخالفت با اندیشه ی او سهم ارزشمندی در پیشبرد هنر و رساندنش به جایگاه امروز آن داشته اند. در آینده سعی خواهد شد مسیر فرگشت و فراز و فرودهای مسیر این اندیشه ها را با یکدیگر بررسی کنیم.

پا نوشت:

در نگارش این نوشتار از درس گفتار آقای زروان روح بخشان درباره ی فلسفه ی هنر و زیبایی شناسی استفاده شده است.

را زیبا بدانیم. برای فهم بهتر فرض کنید که شما در حال مشاهده ی سایه های اجسامی بر روی یک دیوار هستید. اما به علتی نمی توانید خود آن اجسام را مشاهده کنید. در بین این سایه ها، شکل یکی از آن ها بسیار منظم و گرد به نظر می آید و به نظر شما چشم نواز است. شما حدس می زنید جسمی که سایه ی آن روی دیوار گرد است خود نیز باید شکلی منظم و دایره وار داشته باشد. اما دقیقا نمی دانید که آن جسم چه رنگی دارد؟ اندازه و ابعاد آن یا فاصله اش از دیوار چقدر است؟ و آیا آن جسم سبک است یا سنگین؟

از دیدگاه افلاطون درباره ی مفهوم زیبایی نیز می توان چنین گفت. ما نمی توانیم دریابیم که مُثُل و معنای زیبایی دقیقا چیست و چه ویژگی هایی دارد. اما می توانیم بگوییم که چیزی که زیباست به این علت زیبا به نظر می رسد که جلوه ای از زیبایی ازلی و ابدی و مطلق در عالم مثال دارد و آن چه که نازیبا یا زشت به نظر می رسد از آن رو نازیبا است که جلوه ای از مُثُل زیبایی را در خود ندارد.

از نگرگاه افلاطون هنر با این که در تلاش برای به نقش کشیدن زیبایی است، اما در این راه چندان موفق نمی شود. زیرا پدیده های زیبایی که مشاهده می شوند خود جلوه ای از عالم مثال هستند و از آنجا که هنرمند نمی تواند عالم مُثُل را بی واسطه مشاهده کند؛ با تقلید از سایه ها، سایه ای دیگر پدید می آورد. افلاطون تا جایی پیش می رود که تمام هنرمندان را به نام کلی «مقلد» می خواند.

نقاشی ای را در نظر بگیرید که در تلاش برای به نقش کشیدن یک جام زرین پر از میوه است. از دیدگاه افلاطون این هنرمند می تواند آینه ای در دست گیرد و این منظره ی زیبا را دقیق تر و بهتر از نقاشی خود به دیگران نمایش دهد. از دیدگاه او نقشی که

گشتری در موزه

مبهبه میرقاسمی

مصفا رو به رو می‌شوید که پنجره‌های پنج دری (یک نوع ارسی قدیمی است) و چوبی بزرگ خانه اولین چیزی است که نظرتان را جلب می‌کند. حوض کوچکی نیز در وسط حیاط وجود دارد که مزین به شمعدانی‌های خوش رنگی است. درون خانه در حقیقت مانند یک موزه یا کلکسیون شخصی کوچک است. البته شاید آثار درون آن قدمت تاریخی نداشته باشند. چرا که بیشتر نمایانگر هنر هنرمندان معاصر ما هستند. مانند نقاشی، آثار خوشنویسی، مجموعه کتابها، حجاری‌ها و سنگ‌تراشی استادان معاصر و نهایتاً عکس‌های هنرمندان و نویسندگان ایران که برای‌تان جالب خواهد بود. در یکی از اتاق‌ها نیز وسایل قدیمی از قبیل بشقاب‌های سفالی یا مسی به نمایش گذاشته شده است. اما آنقدر هم سرگرم نشوید که از دیدن نقش و نگارهای زیبا و هنر کاشی کاری سقف و ستون‌های این عمارت دوست داشتنی غافل شوید!

این بنا که در گذشته کاربرد مسکونی داشته دارای پنج قسمت اصلی بیرونی، اندرونی، مطبخ خانه، حمام و اصطبل است.

بنای

شگفت‌آورترین لحظه‌ی زندگی هر کس در زندگی آن ثانیه‌ای جرقه می‌خورد که قدم به سرزمینی ناشناخته می‌گذارد.

هر چند که بهتر است چیزی را یک بار ببینید تا اینکه هزاران بار در مورد آن بشنوید، اما شنیدنش هم پر از لطف است!

پس حالا که توافق کردیم به گوش دادن، کوله را می‌بندیم و در مسیر شهر هزار رنگ سراسر فرهنگ با مردمی خونگرم یک رنگ می‌شویم. راستی یادم رفت نظرتان را بپرسم. آیا می‌شود از شیراز گذشت و به حضرت عشق حافظ سلام نکرد؟

در کوچه و پس کوچه‌های قدیمی محله سنگ سیاه شیراز که مأمّن خانه‌های قاجاری است، منزلی به نام ((خانه فروغ الملک)) وجود دارد که اکنون ((موزه هنر مشکین فام)) نام دارد. کوچه‌هایش در بهار گویی بهشتی‌ست که از آسمان به زمین افتاده است. نفس که می‌کشی

عطر بهار نارنج حال و هوایت را هر چه که باشد، عوض می‌کند. میدانی؟ اصلاً خوب می‌کند.

در بدو ورود به خانه با حیاطی کوچک اما

دختران، دست به احداث این بنا می زند. مساحت زمین این بنا ۱۰۲۰ متر مربع بوده است. در سال‌های دهه هشتاد شمسی، این بنا به حال خود رها شده و تقریباً به صورت یک مخروبه در آمده بود. آقای حسن مشکین فام بود که تاسیس این موزه را تقبل و خانه فروغ الملک شیراز را به موزه تبدیل کرد. به همین دلیل است که نام آن را موزه هنر مشکین فام گذاشته‌اند. علاوه بر آثار هنری خود خانواده مشکین فام، آثار هنرمندان معاصر دیگر این استان هم در این موزه در معرض نمایش قرار داده شده است. این موزه از بخش‌های مختلفی تشکیل شده:

بخش آثار نقاشی

آثاری ارزشمند و نفیس از ۳۰ هنرمند استان فارس در این بخش به نمایش گذاشته شده است.

بخش آثار حجاری و سنگ تراشی

نقوش اسلیمی، نقش گل و بوته، نقش حیوان، آیاتی از قرآن مجید و... که بر روی سنگ‌هایی مختلف توسط استاد حبیب مشکین فام به زیبایی هرچه تمام حجاری شده‌اند، در این بخش قرار گرفته‌اند.

بخش آثار خطاطی و خوشنویسی

در این بخش هم آثار خوشنویسی خانواده مشکین فام و هم آثاری از برجسته‌ترین خطاطان استان فارس به نمایش گذاشته شده است.

کتابخانه خانه فروغ الملک شیراز

کتاب‌هایی بسیار نفیس به همراه صدها بروشور، مجله، روزنامه‌های قدیمی، فیلم‌های قدیمی از رویدادهای قدیمی شیراز در این بخش نگهداری می‌شود.

چشم‌ت را ببند و همه‌ی این مسیر را با من سفر کن. هر آدم رویا پرداز می‌داند که ممکن است برای مکانی که تاکنون به آنجا سفر نکرده تا چه حد دلش تنگ شود... شاید حتی دلتنگی‌ای بیشتر از آن چه که برای خانه‌اش تجربه می‌کند.

بیرونی این عمارت توسط راهروهایی به حیاط عمارت متصل شده و در قسمت جنوبی، یک سالن بزرگ برای پذیرایی از میهمانان در نظر گرفته شده است. در ضلع غربی، عمارت شاه نشین با پنجره‌های چوبی و قشنگش جای خوش کرده است. پنجره‌هایی که دارای تزئینات گره‌کاری هستند.

این شاه نشین توسط حوض‌خانه‌ای به عمارت اندرونی متصل می‌شود. همان طور که از نامش پیداست، اینجا مکانیست که میهمانان جایی در آن نداشته‌اند. اندرونی برای استفاده اعضای خانواده ساخته شده است. عمارت اندرونی دارای یک سالن اصلی مانند پذیرایی و تعدادی اتاق در شرق و غرب آن است. اتاق آینه نیز در جنوب همین اندرونی قرار گرفته است. صاحب این بنا، فردی بوده به اسم قوام الدین که به فروغ الملک شهرت داشته است.

مصالح به کار رفته در این خانه چوب، سنگ و آجر هستند که با ملات گچ، خاک و برخی نقاط کاه‌گل پوشیده شده‌اند. همانند دیگر خانه‌های تاریخی، تزئینات زیبایی در خانه فروغ الملک شیراز به کار رفته است. آجرکاری‌های زیبا، کاشی‌کاری‌های دلنشین، گچ‌بری‌های هنرمندانه، حجاری‌ها و نقاشی‌های زیبایی که بر روی سقف برخی از اتاق‌ها کشیده شده است، جذابیت‌های این بنا را دوچندان کرده‌اند.

در موزه هنر مشکین فام که شاید کمتر مسافری به دیدن آن برود (برایتان گفتم خیلی از راننده تاکسی‌های شیراز هم نمی‌شناسنش؟) آثاری ارزشمند از هنرمندان استان فارس در رشته‌های مختلفی همچون هنرهای تجسمی و هنرهای سنتی نگه‌داری می‌شود. این موزه به عنوان اولین موزه تخصصی و خصوصی هنرهای تجسمی در کشورمان ایران هم شناخته می‌شود.

در دوره قاجاریه و در سال ۱۲۱۰ هجری قمری، قوام الدین در یک زمین در محله سنتی سنگ سیاه و در نزدیکی بقعه بی‌بی

بهبودی با بپدی بهم!

-- نقاشی دیجیتال --

فاطمه محمدیان محرم



مختلفی به این منظور به وجود آمدند که از معروفترینشان می‌توان به Adobe Photoshop ، Corel painter ، Art rage ... اشاره کرد. این نرم افزارها ماهیت ویژه‌ی هنر دارند و در ساخت آن‌ها معیارهای علمی و آکادمیک ((هنر نقاشی)) لحاظ شده است. تمام برنامه‌های نقاشی دیجیتال تلاش می‌کنند با استفاده از قلم‌های مختلف (Brush) و جلوه‌های رنگی ، نتایج فیزیکی کشیدن یک نقاشی را تقلید کنند. به طوری که در بسیاری از برنامه‌ها برآش‌هایی در انواع سبک‌های نقاشی سنتی مثل رنگ روغن ، آکرلیک ، پاستیل ، زغال چوب و حتی آبرنگ طراحی شده است. نکته‌ی قابل توجه در نقاشی دیجیتال توانمندی‌های خاص و جذابی است که به هنرمند می‌دهد.

به طور مثال جعبه ابزارهای کامپیوتری ، دارای ابزاری هستند که نمی‌توانند در خارج از کامپیوتر وجود داشته

معرفی کوتاهی از دنیای نقاشی دیجیتال نمی‌دانم در explore اینستاگرام‌تان چقدر پست‌های مربوط به نقاشی می‌آید و می‌بینید. اما اگر اهل دنبال کردنشان باشید حتماً ویدئوهایی که پروسه‌ی کشیدن یک نقاشی با تبلت و قلم نوری را نشان می‌دهند را دیده‌اید. در واقع نقاشی با تبلت یکی از ابزارهای خلق تصاویر دیجیتالی است که به کمک یک صفحه‌ی مسطح و قلم مخصوص به ما این امکان را می‌دهد تا خطوطی که می‌خواهیم بکشیم را مستقیماً با قلم روی صفحه منتقل کنیم و همچنین تسلط بیشتری روی ظرافت طراحی‌مان داشته باشیم!

این سبک روش‌های مختلفی برای اجرا دارد. در یک فضای دیجیتال تلاش شده

شرایطی برای هنرمند فراهم شود تا مشابه حالت حقیقی بتواند نقاشی کند و آثار بی‌نظیری خلق کند. نرم افزارهای



نقاشی دیجیتال، اثر خانم مهسا گودرزی / رشته ریاضیات و کاربردها / دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ورودی ۹۹ / گاهی با یک گوشه و بدون قلم میتوان اثری چنین هنرمندانه خلق کرد.

کاغذ را ندارد ، اما دنیای زیبا و منحصر به فرد خودش را دارد... و این شما هستید که به عنوان یک هنرمند انتخاب می‌کنید کدام قلم جادویی را به دست بگیرید و جادوگری کنید!

باشند و به این ترتیب آثار هنری متمایزی نسبت به آثار هنری که در سبک سنتی کشیده می‌شوند ، خلق می‌شود. یکی دیگر از این قابلیت‌ها ، توانایی بازگشت به مراحل قبلی طراحی است بدون اینکه اثری روی کار باقی بماند. برای همین هم این سبک ، راه را برای ایجاد تصاویر ظریفتر و بی نقص آسان‌تر می‌کند.

از بین انواع تکنیک‌های نقاشی دیجیتال ، طراحی با قلم نوری یکی از جذابترین آن‌هاست. مدل‌های مختلفی از قلم‌های نوری در بازار وجود دارند که محدوده قیمت آن‌ها از زیر یک میلیون تا نزدیک ۲۰ میلیون تومان در گران‌ترین مدل‌هاست.

نقاشی دیجیتال اگر چه لذت بوی رنگ یا سیاه شدن دست بعد از سر خوردن روی







آسمان پاییزی / آذر 1400 / پارک لاله تهران

باورتون بشه یا نه، حدود نیم ساعت، منتظر موندم تا یه پرنده از این قسمت کادر رد شه تا بتونم تصویری که توی ذهنم ساخته بودم رو در دنیای واقعی ثبت کنم!



غروب و خانواده / اردیبهشت 1401 / بام کرج

از کوه میرفتم بالا که غروب رو تماشا کنم، توی مسیر، این خانواده رو دیدم. خودشون نمی‌دونستن از شون عکس میگیرم... تونستم زاویه‌ای رو پیدا کنم که خورشید بیوفته بین شون و عکس رو ثبت کردم (=)



دالی (: / پارک قیطریه تهران / فروردین 1401

گره شیطونی بود و خیلی جابجا می‌شد؛ برای این عکس هم خیلی صبر کردم تا بتونم دقیقا توی این موقعیت عکس مورد نظرم رو ازش ثبت کنم.



تونل! / پارک ساعی تهران / اسفند 1400

بارون اومده بود و داشتمیم قطعه هوای گریه همایون رو می‌شنیدیم... ایده این ترکیب‌بندی با نیمکت به ذهنم رسید و با استفاده از تکنیک لنز تله و فاصله گرفتن از سوژه، تونستم ایده‌م رو روی دوربین ثبت کنم!



هلال و صخره / خرداد 1400 / چشمه عظیمیه کرج

نزدیک به آسمان... / بهمن 1400 / قله عظیمیه کرج



خطوط غروب! / آذر 1400 / ایستگاه مترو ارم سبز؛ منتظر مترو بودم که خط دود هواپیماهای فرودگاه مهرآباد نظرم رو جلب کرد... برای پیدا کردن قاب و المان‌های مناسب بین اون همه شلوغی عصر ایستگاه مترو، از یه قطار جا موندم ولی به نظرم ارزشش رو داشت!



ماه تنها... / تیر 1401 / گوهردشت کرج
این عکس رو توی راه امتحان نورو آناتومی، ساعت 5:30 صبح گرفتم! خیلی بکھویی
ایده ترکیب بندیش به ذهنم رسید.



مرد تنها / مرداد 1401 / چالوس

عکس رو با لنز تله و از فاصله دور گرفتم که سوژه متوجه حضورم نشه.

وینترای

مهم - نقش



ابزار های لازم:

۱. دورگیر: دورگیرها حالت خمیری دارن و به شکل تیوبی هستن. به دو صورت ساده و متالیک موجودن و بیشترین رنگایی که ازشون استفاده میشه سیاه و طلایی و سفید و نقره ایه. با این حال رنگای دیگه هم موجوده.

۲. رنگ وینترای: رنگ ها به دو دسته پایه آب و پایه تینر تقسیم میشن. بعد از استفاده از رنگ وینترای پایه آب باید اونو بزاریم تو کوره یا فر تا تحت حرارت قرار بگیره. رنگایی که به طور متداول توسط همه استفاده میشه معمولا پایه تینر هستن که هیچ نیازی به پخته شدن در اثر حرارت ندارن و بعد گذشت چند ساعت خودشون کامل خشک میشن. برندای مختلفی رنگای وینترای رو میسازن که میشه به برند های pebeo - ورسای - ورساچ - LB و... اشاره کرد. رنگهای وینترای هم به دو دسته کدر و شفاف تقسیم میشن که کدر نور رو از خودش عبور نمیده ولی شفاف عبور میده. اگه رنگتون خیلی سفت شده میتونین یکم تینر بهش بزنین.

۳. شیشه یا پلاستیک: علاوه بر شیشه میتونین از کاشی، سرامیک و فلز هم استفاده کنین.

۴. قلم مو: قلم مو باید حتما سرگرد باشه.

۵. چسب نواری: برای این که طرحتونو بچسبونید پشت شیشه به چسب نیاز پیدا می‌کنین.

۶. انواع مدیوم ها: مدیوم Glitter باعث میشه رنگتون اکلیلی شه. مدیوم Matt رنگتون رو مات میکنه. مدیوم براق کننده

تا حالا این نقاشی‌های فانتزی روی شیشه رو دیدین؟ به این آثار تو هنرهای تجسمی وینترای گفته میشه.

وینترای به هنر نقاشی روی شیشه گفته می‌شه که مربوط به کوبایی‌ها بوده و کوبایی‌ها هم خودشون از اسپانیایی‌ها یاد گرفتن. از این هنر در ابتدا برای تزئین پنجره های رنگی کلیسا ها استفاده میشد و نماد شفافیت و تعدد عقاید بوده. اما امروزه کاربرد گسترده تری پیدا کرده و علاوه بر تزئین پنجره ها در زمینه های دیگه هم ازش استفاده می‌شه. هنر وینترای از دو بخش خیلی مهم تشکیل شده: دورگیری و رنگ آمیزی

با دونستن این دو تکنیک میتونین کلی طرح زیبای کلاسیک، سنتی، فانتزی، کارتوننی و ... روی قاب عکس، ماگ، جا شمعی و یا زیر لیوانی بکشید.



رنگتون رو براق می کنه.
نحوه کار:

مهمترین و اولین قدم ما باید تمیز کردن سطح باشه. پس شیشه مورد نظرتونو با پنبه الکل یا آب و صابون بشورین. الگوی مورد نظرتونو به پشت شیشه بچسبونید. با خمیر دورگیر شروع به دورگیری کنین. نکته مهم در دورگیری این که به تیوب فشار یکسانی وارد کنید تا خطوط، ضخیم و نازک نشن و ضخامت یکسانی داشته باشن. نیم ساعت صبر کنید تا خطوطی که کشیدین خشک بشن.

حالا شروع به رنگ آمیزی کنین! نکته مهم در رنگ آمیزی ویترا ای که هرگز نباید قلم مو رو روی سطح بکشین چون رنگ آمیزی تون نازک میشه. بلکه باید آروم آروم و ضربه ای کار کنین. بعضی ها پیشنهاد میدن قلم مو رو به شکل عدد هشت انگلیسی (۸) دوران بدین. علاوه بر این، زیاد هم رنگ برندارین. چون هم دیر خشک میشه و هم بعد خشک شدن ترک میخوره. اگه سطحتون مدوره یه طرفو رنگ کنین، صبر کنین تا خشک شه و بعد رنگ آمیزی طرف دیگه رو شروع کنین. معمولا تو ۱ ساعت خشکی نسبی و ۸ ساعت بعد خشکی کامل به دست میاد. هر جایی اگر اشتباه کردین میتونین از تینر برای پاک کردنش استفاده کنین.

اگه قراره بشقاب رنگ آمیزی کنید طرح باید از قسمت زیر ظرف کار شه. اما برای

ماگ و لیوان از بیرون باید کار کنین. ینی مثلا اگه دارین روی لیوان طرحی می کشین باید رو سطح خارجی بکشین ولی برای بشقاب، سطح پشتی (همون سطح زیری بشقاب که از اونجا میذاریمش رو زمین.) به سری نکته:

اگه از رنگ پایه آب استفاده کردین نباید برای پختش اونو تو ماکروفر بذارین. برای شستن ظروف رنگ آمیزی شده باید از اسفنج نرم استفاده کنید.

ظروف رو توی آب خیلی گرم غوطه ور نکنین.

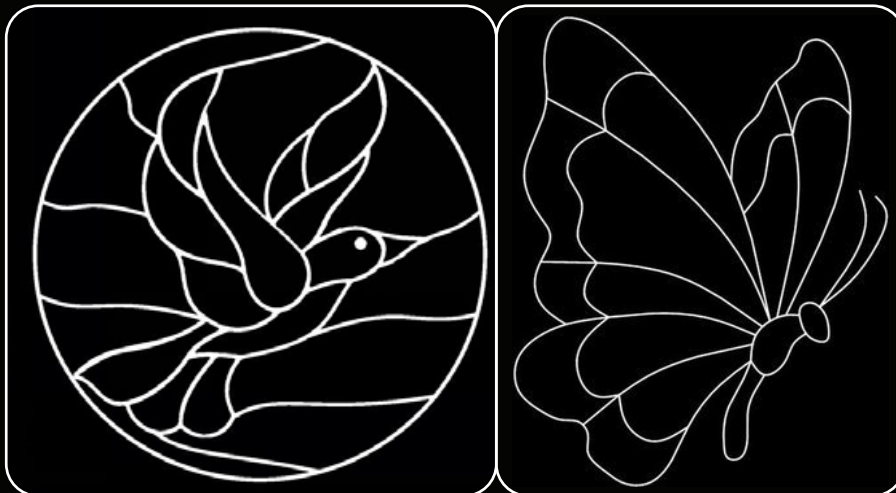
اگه لازمه یه سطحی رو کامل از ویترا پاک کنین باید تو آب گرم غوطه ورش کنین تا چند ساعت بمونه. بعد یه مدت رنگا ورقه ورقه بلند میشن و بعد به راحتی می تونین با تینر ظرفو تمیز کنین.

اگه رنگی رو نداشتین میتونین رنگا رو با هم ترکیب کنین. رنگای ویترا قابلیت ترکیب شدنو دارن.

اگه حین کار با قلم مو حباب ایجاد شد میتونین با نوک قلم مو حباب رو به گوشه کار ببرین و محو کنین. حباب باقی مونده رو سطح اگه محو نشه از کیفیت کارتون کم میکنه.

برای کار اول بهتره از طرحای ساده استفاده کنین.

موفق باشید!)



دو طرح ساده برای آنهایی که قصد شروع دارند.

رئالیسم

نشرن نابی

در قرن پانزدهم میلادی، نقاشان هلندی مانند «واندایک» به سبک رئالیسم نقاشی می‌کشیدند اما تفاوت آن‌ها با رئالیسم‌های قرن نوزدهم در مضمون بود؛ برای مثال بیشتر وقایعی را به تصویر میکشیدند که در دنیای واقعی نمود چندانی نداشت؛ مانند انسانی که به‌سان فرشتگان بال دارد. «گوستا کوربه» یکی از سردمداران قرن نوزدهم سبک رئالیسم، در این باره می‌گوید هدفم این بوده که بتوانم رسوم، اندیشه‌ها و ظواهر را آن‌چنان که به چشم می‌بینم تصویرسازی کنم، من نمی‌توانم فرشته‌ای را به تصویر بکشم زیرا هرگز آن را به چشم ندیده‌ام.

اولین اثر کوربه که بر مبنای واقع‌گرایی برنامه‌ریزی شده بود نقاشی «سنگ شکنان» نام گرفت. این اثر هنری که با تکنیک رنگ روغن کشیده شده دو کارگر، یک جوان و یک فرد مسن با لباس‌های وصله‌دار را به تصویر می‌کشد. او به دنبال ترسیم سوژه‌های زیبا و ناب طبیعت نبوده بلکه سعی در نشان دادن واقعیت داشته. او که خود روستایی بوده، در این اثر هنری تلاش می‌کرده تا میزان سختی کار و محرومیت و سو استفاده از مردان روستایی فرانسه را نشان دهد که با حقوقی بسیار کم، کارهای سخت و طاقت فرسا انجام

سبک رئالیسم یا واقع‌گرایی از سال ۱۸۴۰ از فرانسه آغاز شد. مبنای کار هنرمندان این سبک، صادقانه‌نگری و صادقانه اندیشیدن است و بر خلاف سبک‌های پیشین صرفاً صحنه‌های ناب و زیبای طبیعت را به تصویر نمی‌کشند. بلکه بیشتر مردم عادی و طبقات متوسط جامعه مثل کشاورزان و کارگران و... را هدف قرار می‌دهند و بخش عمده‌ای از تمرکز آنان بر انسان‌ها و ابعاد مختلف زندگی آن‌ها اعم از ابعاد اجتماعی، فردی، روحی و روانی و... است.

هنرمندان سبک رئالیسم، کمتر به زمینه نقاشی توجه می‌کنند و بیشتر توجه آن‌ها معطوف به میانه‌ی صفحه و سوژه اصلی است.

آن‌ها معمولاً تمام تلاش خود را می‌کنند تا از هرگونه احساس‌گرایی و آرایش و تعبیر اضافه پرهیز کنند و وقایع را همان گونه که می‌بینند با تمام کم و کاستی‌هایش به تصویر بکشند که از این نظر، نقطه‌ی مقابل سبک رمانتیسم یا ایده آل‌گرایی است. گاهی هم ممکن است حقایق تلخ را به گونه‌ای بی‌پرده با رنگ‌های تیره نقاشی کنند که با ایده‌های زیبایی هنر در تضاد باشد (است؟).

سبک رئالیسم منحصر به قرن نوزدهم و فرانسه نیست، پیش از آن نیز



نیندازد که از این نظر مورد انتقادات برخی از منتقدین واقع شده است. آن‌ها بر این باورند که با دوربین عکاسی نیز می‌توان عین سوژه را تصویر سازی کرد. اما آن احساسی که هنرمند با هر حرکت قلم بر روی بوم نقاشی بر جای می‌گذارد و آن روحی که با پاشیده شدن رنگ بر روی بوم دمیده می‌شود و هر هنرمند و هنر دوستی را به وجد می‌آورد؛ با پیشرفته‌ترین و دقیق‌ترین دوربین‌های عکاسی هم قابل ثبت نیست و همانند کالبد بی‌روح است.

از هنرمندان سبک رئالیسم می‌توان به گوستا کوربه، ژان فرانسوا میله، ادوارد مانه، انوره دومیه، ایلپارپین، کمال الملک و عباس کازوتیان اشاره کرد.

می‌دادند و در عصری که مضمون نقاشی‌ها، عمدتاً آرمانی و ایده‌آل‌گرایانه بود، به تصویر کشیدن مضامین روزمره و بعضاً تلخ زندگی جسارت زیادی را می‌طلبید.

با این که آثار اولیه کوربه به علت پیش پا افتادگی موضوع مورد انتقاد قرار گرفت و طرفداران چندانی نداشت اما او به کار خود ادامه داد و بعدها سبک رئالیسم در فرا سوی مرزهای فرانسه و اروپا نیز گسترش یافت و هم اکنون، یکی از سبک‌های محبوب و پرکاربرد هنری است. با این که کوربه بنیان‌گذار سبک رئالیسم است و او را پدر سبک رئالیسم می‌نامند اما او خود را به هیچ مکتب و سبکی متعلق نمی‌داند و می‌گوید: ((بگذارید بعد از مرگم چنین بگویند: او به هیچ کلیسایی، به هیچ نهادی، به هیچ آکادمی و رژیمی تعلق نداشت به جز رژیم آزادی!))

از زیر مجموعه‌های سبک رئالیسم می‌توانیم به هایپر رئالیسم و فتو رئالیسم و... اشاره کنیم که در ادامه به تفسیر آن‌ها خواهیم پرداخت.

رئالیسم: نسبت‌ها و فرم‌ها کاملاً واقعی است و لزوم واقع‌گرایی فقط شکل است نه اجزا و سایه پردازی‌ها.

فتو رئال: به جزئیات و سایه پردازی و کنتراست نیز توجه می‌شود.

هایپر رئالیسم: به جزئیات توجه زیادی می‌شود و جزئیات ریز مانند روزنه پوست، هایلایت مو، خال و یا کک و مک‌های صورت و... را به تصویر می‌کشند. هایپر رئالیسم‌ها طراحی سوژه‌های دشوار مانند چهره‌ای که روی آن آب وجود دارد را انتخاب می‌کنند. هایپر رئالیسم با تکنیک‌های مختلف مانند رنگ روغن، مداد رنگی، مداد کنته و... قابل اجرا است اما عمدتاً برای طراحی چهره با تکنیک سیاه قلم کاربرد دارد.

هنرمندان سبک هایپر رئالیسم، از دقت بسیار بالایی برخوردارند. چرا که نقاشی آنان، باید عین خود سوژه باشد و کوچکترین انعکاسات و بازتاب‌های نور را نیز از نظر

عکاسی از آثار هنری و نقاشی‌ها

مهتره فرهادی



هست، به این معنی که کادر عکس رو با رسم خطوطی به ۹ قسمت تقسیم کنیم، این کار رو هم میشه ذهنی انجام داد و هم با فعال کردن خطوط شبکه بندی در تنظیمات دوربین گوشیتون، در نهایت قرار گرفتن سوژه مورد نظر روی نقاط تقاطع این خطوط، ارتباط بهتری با بیننده فراهم می‌کنه.

بک گراند و محیط

بک گراند و محیط رو میشه با توجه به سلیقه شخصی و یا هدفی از تهیه عکس داریم انتخاب کنیم. بک گراند میتونه رنگ های خنثی (سفید، مشکی، خاکستری) باشه تا اثر بیشتر دیده بشه، گرفتن عکس در طبیعت و استفاده از ابزارهایی که توی نقاشی استفاده شده مثل قلم مو یا مدارنگی هم موارد دیگه ای هست که میشه استفاده کرد البته بهتره در استفاده از این وسایل زیاده روی نکنیم و فضای عکس رو شلوغ نکنیم.

فوکوس روی یک سوژه

یه روش دیگه برای اینکه اثرمون بهتر دیده بشه این هست که با یک کادربندی مناسب، دو سوم عکس رو فضای منفی در نظر بگیریم مثل یک دیوار بزرگ و اینجوری تمرکزمون روی یک سوژه باشه.



سلام به همه هنرمندای عزیزی که این مطلب رو می‌خونن، در این بخش می‌خواوم کمی راجبه یکی از مشکلاتی که خیلی از هنرمندا و نقاشا دارن یعنی نحوه‌ی عکاسی از آثارشون، توضیح بدم.

خیلی از ما ممکنه برای شرکت در نمایشگاه، فروش آثار هنریمون و یا درست کردن یک آلبوم از کارهامون به عکسایی زیبا و با کیفیت نیاز داشته باشیم، در نتیجه بهتره با دونستن نکاتی، عکسای خیلی خوبی بگیریم.

نورپردازی

یکی از مواردی که در هر صورت باید رعایت بکنیم نورپردازی، منبع نور میتونه طبیعی یا مصنوعی باشه اما در هر دو باید سعی کنیم که نور با زاویه ۴۵ درجه و از دو طرف به سوژمون بتابه. نور خورشید رنگ ها رو خیلی واقعی تر نشون میده اما باید حواسمون باشه توی نور مستقیم خورشید عکس نگیریم چون در این صورت دوربین رنگ های نقاشی رو به خوبی ثبت نمی‌کنه، روزهای ابری میزان نوردهی کمتر هست و میشه در فضای باز عکاسی کرد.

قاعده یک سوم

یکی از قوانینی که توی عکاسی استفاده میشه، قانون یک سوم



البته میتونیم به صورت Flat Lay و از بالای اثر عکاسی کنیم که در این صورت دوربین رو به سمت پایین فیکس می‌کنیم. دقت کنیم که فوکوس روی مرکز تصویر قرار بدیم، این کار رو میشه با زدن یک ضربه روی صفحه گوشی انجام داد. با این کار علاوه بر اینکه تصویر متمرکز میشه، میزان نوری که از نقاشی بازتاب میشه و میتونه کیفیت نقاشی رو کم کنه، کاهش میدیم.

عکس نقاشی ما باید مثل خود نقاشی باشه، نه بهتر و نه بدتر، پس در صورت نیاز می‌تونیم ویرایش هم انجام بدیم.

و حرف آخر

بهترین راه برای گرفتن عکسای خوب از آثارمون، تمرین زیاد هست و یادمون باشه که هر کاری به تمرین زیاد نیاز داره.

زوم نکنیم

بهتره سعی کنیم به جای زوم کردن روی سوژه‌ی مورد نظرمون که میتونه عکس رو تار و بی کیفیت کنه، به سوژه نزدیک بشیم و عکس بگیریم.

ثابت کردن اثر و دوربین

در ابتدا بهتره که نقاشی رو از قاب یا شیشه خارج نکنیم. برای ثابت کردن نقاشی میتونیم اون رو روی دیوار یا یک میز قرار بدیم یا از بوم به عنوان پایه استفاده نکنیم. دوربین یا گوشی رو هم روی سه پایه قرار بدیم و اگه سه پایه نداشتیم میتونیم از وسایل ساده و در دسترس مثل جعبه یا چند کتاب استفاده کنیم. زاویه نقاشی و دوربین باید عمود بر هم باشه و خیلی بهتر هست که دوربین یا موبایل روی تایمر باشه تا لرزش کمتر بشه و عکسمون تار نشه.



عزیزان من
لطفاً برای هنرمند شدن عجله نکنید. هنرمند شدن زمان
لازم دارد، هنر راهی سخت و طولانی است که باید همه
عمر بپیمایید...
بر اساس تجربه کاری، با هنرمندان جوانی برخورد کردم که
می‌خواستند هم‌زمان نقاش، مجسمه‌ساز، گرافیک‌ساز و
تصویرگر، فیلم‌ساز و غیره باشند. من به شما می‌گویم که
نمی‌شود. همیشه روی یک هدف تمرکز کنید و الا انرژی
شما تقسیم می‌شود و به جایی نمی‌رسید. هنر شما
نهالی است که باید پرورش داده شود و مراقبت کنید تا
روزی به درخت تنومندی مبدل شود. زیاد ببینید،
هنرمندان بزرگ جهان را بشناسید، عاشق کارتان
باشید. هرگز به فروش کارتان فکر نکنید. وقتی که کار
خوب باشد به فروش هم می‌رسد. جهان و معضلات آن
را مطالعه کنید. آگاهی و اطلاعات عمومی از واجبات
است. همیشه کارهایتان را در معرض قضاوت و داوری
قرار دهید. از نظریک هنرمند جوان تمام کارهایش خوب
است در حالی که این‌طور نیست. از انتقاد ناراحت
نشوید.
کار کنید... کار کنید... کار کنید...

کامبیز درم بخش



انگاد آیدین آغداشلو

محبوبه مرقامی

به نام غزل نغزگوی هنر های ناب ستایش سزاینده ی نیلوفرین تابناک

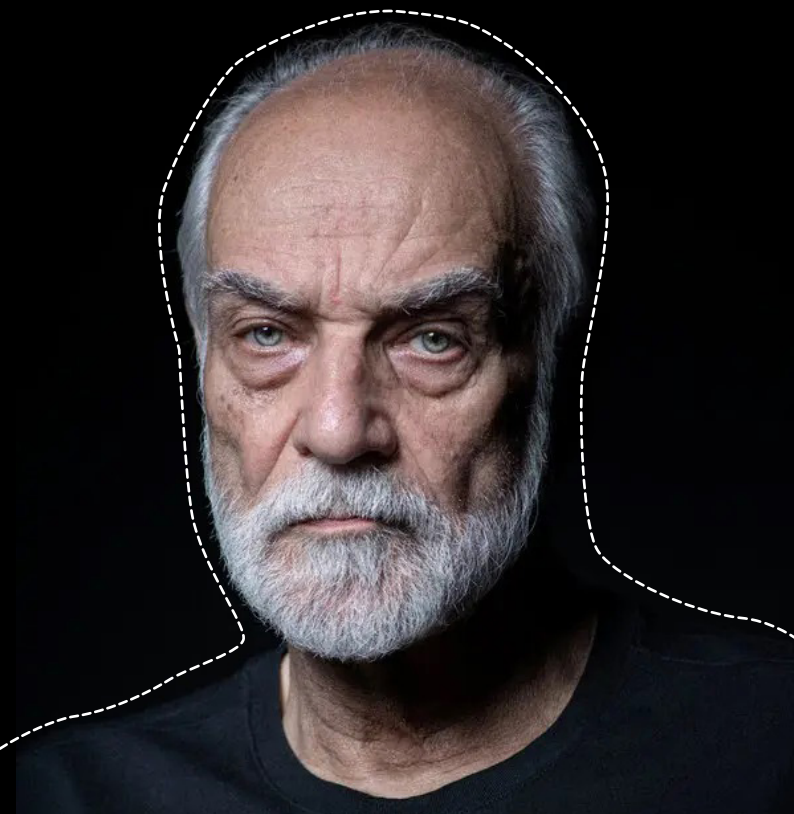
میکردیم میدانیم تقریباً هیچ...
بیایید باهم از کمی نزدیک تر این استاد
هنر نوگرای ایرانی را بشناسیم :

آیدین آغداشلو، فرزند محمد بیک آغداشلو (حاجی اوف) و ناهید نخجوان، در سال ۱۳۱۹ خورشیدی در محله آفخرای شهر رشت به دنیا آمد. پدرش از مهاجران قفقازی و عضو حزب مساوات قفقاز بود و خاندان وی نیز نام خانوادگی خود را از نام شهر کوچک آغداش گرفته‌اند. پس از تصرف دوباره قفقاز توسط نیروهای بلشویک به دستور لنین، محمد بیک آغداشلو ناچار شد شبانه سوار بر اسب از رود ارس بگذرد و به ایران پناه آورد. او تحصیل کرده بود و پس از ورود به ایران به استخدام در وزارت راه در آمد. خانواده مادری آغداشلو نیز همگی از

این روز ها نقاشی های ادوارد هاپر که انعکاسی از تصویر تنهایی های انسان اوایل قرن بیستم در شهرهای مدرن را نشان می دهد، در شبکه های مجازی دست به دست می شود. گویی اکنون همه ما در نقاشی های هاپر هستیم. زنی تنها در سینمایی متروک، مردی داغ دیده در آپارتمانی مدرن، کارگری تنها در مغازه ای که مشتری ها با فاصله از او کنار هم پای میز شام شان نشستند. اگر ما هم اکنون واقعاً در نقاشی های ادوارد هاپر هستیم، بحران تنهایی در شرف وقوع است. اجتناب دست جمعی از یکدیگر که همگی بر سر آن توافق داریم فاجعه بار نیست؟

اما حالا که ناگزیر به پذیرش اش شده ایم، باید به خلوتمان رجعت کنیم و کنار صدای افکار در کنج خلوت چای نبات میل کنیم...

چشم انداز شگرف هنر زمانی آشکار می شود که به قلبت مینگری. آن وقت هایی که جهان را به نظاره نشسته ای درتکاپوی خلق یک رویایی اما هوشیاری آن زمان جرقه میخورد که به خود برگردی. اگر جهان دایره خالص هم باشد باز هم مرکز تلاقی همه ی شعاع ها هنر است. به وادی هنر های تجسمی که پرسه ای بزنی اسم اساتیدی چون آیدین آغداشلو موسیقی گوش نوازی برایت خواهد بود. زمان با خودش برایمان چیزهایی می آورد که میفهمیم کمتر از آن چه فکر



خاندان قاجار بودند. پدر با دیدن استعداد وی در نقاشی در مدرسه و کاردستی‌هایی که او درست می‌کرد، برقی در چشمانش پدیدار می‌گشت. به همین دلیل او را برای نخستین بار پیش حبیب محمدی، معلم نقاش اهل رشت برد. به گفته آغداشلو، در هنگام دیدار با محمدی، بهمن محمص نیز در اتاق بود و آن دو با هم مشغول به بحث در زمینه تابلویی درباره جنگ سالامین بودند.

اگرچه پدر فعالیت‌های مهندسی زیادی کرد، اما به دلیل افسردگی ناشی از دست دادن دارایی‌ها و دوری از زادگاه به ناخوشی مبتلا شد و در ۱۱ سالگی آیدین (۱۳۳۰ خورشیدی) بر اثر بیماری سل درگذشت. آغداشلو اگرچه از پدر خود خاطرات زیادی در یاد ندارد، اما از علاقه وی به شاهنامه فردوسی، یوگنی آنگین، طراحی، و کتاب‌خوانی یاد کرده است.

اینجاست که که سنگ‌ها مسیر رسیدن نور را به درونت سد می‌کنند حالا انتخاب با توست که سرگردان در این غار بچرخي یا همت کنی و روزنه ای از روشنایی بشکافی. اما آیدین سرسخت تر از دست ناملایم روزگار بود.

پس همراه مادرش به تهران رفت و در خانه خاله‌اش ساکن شد. در سال ۱۳۳۲ وارد دبیرستان جم در محله قلهک شد و در آنجا با عباس کیارستمی و علی گلستانه همکلاسی تلقی شدند.

خاله آغداشلو و همسرش بازرگان بودند. در هنگام زندگی با آن‌ها، آیدین زمان زیادی را در خلوت به نقاشی می‌پرداخت. با دیدن استعداد شگرف وی در نقاشی، خاله‌اش او را در کلاس‌های نقاشی موسیو بازیل نام‌نویسی کرد؛ جایی که آیدین در آن برای نخستین بار تکنیک نقاشی با رنگ و روغن را فرا گرفت. در یک مهمانی در خانه خاله‌اش، آغداشلو با داریوش شایگان جوان آشنا شد و شایگان پس از تحسین هنرش به او توضیحاتی درباره هنر نقاشی

و کارهای نقاشان دریافتگر داد. آغداشلو در چهارده سالگی نخستین اثر نقاشی‌اش را به فروش رساند و سپس در ۱۶ سالگی به کار و فراگیری طراحی گرافیک در مؤسسه تبلیغاتی «آشنا» با حقوق ماهی سیصد تومان پرداخت و چندی بعد در بخش تبلیغاتی روزنامه اطلاعات مشغول به کار شد. وی نخستین اثر هنری خود را در ۱۴ سالگی هنگامی خرید که قطعه‌ای از خط نستعلیق مربوط به دوره فتحعلی شاه قاجار و نوشته شده به خط اسدالله شیرازی را در مغازه‌ای عتیقه‌فروشی در تهران یافت. خرید آن اثر برای آغداشلو آغازی شد تا به گردآوری کتاب‌ها و نسخه‌های خطی بپردازد. در سال ۱۳۵۱، او به عنوان شریک در شرکت تبلیغاتی «گام» مشغول به کار شد. دو سال بعد و در سال ۱۳۵۳، آغداشلو برنامه تلویزیونی «شیوه‌های دیدن» را در رادیو تلویزیون ملی ایران در زمینه هنرهای تجسمی تهیه و اجرا کرد که تا سال ۱۳۵۵ ادامه داشت.

آغداشلو در سال ۱۳۵۴ خورشیدی نخستین نمایشگاه انفرادی خود را در انجمن ایران و آمریکا در تهران برگزار کرد. نقاشی‌های به نمایش درآمده اغلب از اشیای معلق، آدمک‌ها، و چند اثر مربوط به رنسانس بودند؛ کارهایی که بعدها نخستین نمونه‌های مجموعه خاطرات انهدام شدند و شکل‌گیری اندیشه فنا و مرگ در ذهن وی را به خوبی نمایش می‌دادند. از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷، او در هنرستان هنرهای زیبای پسران و دانشکده هنرهای تزئینی تهران به آموزش می‌پرداخت. او سپس مجموعه‌ای از کتاب‌ها و نسخه‌های خطی خود را - که شامل ۱۴۰ کتاب و قطعه از سده‌های چهارم تا چهاردهم هجری می‌شدند - در موزه نگارستان به نمایش گذاشت و همه مجموعه خود را به آن موزه فروخت.

آغداشلو برای مدت کوتاهی نخستین رئیس موزه هنرهای معاصر تهران در آغاز گشایش آن بود.

وی از جمله نخستین نمایشگاه‌گردان‌های موزه هنرهای معاصر تهران در پس از انقلاب بود، و نمایشگاه‌های هنری متعددی از ایران را به کشورها دیگر برد؛ از جمله نمایشگاه «هنر ایران، از گذشته تا امروز» در چین، «هنر گذشته ایران» در ژاپن، و نقاشی‌های معاصر ایران با زمینه سنتی که به بولونیای ایتالیا فرستاده شد.

زندگی خصوصی - ازدواج

آغداشلو سال ۱۳۵۱ با شهره وزیریتبار - هنرپیشه تئاتر و سینما که با نام هنری شهره آغداشلو شناخته شده - ازدواج کرد. ازدواج آن‌ها تا سال ۱۳۵۹ پایید، تا آن که از هم جدا شدند و شهره از ایران رفت. آیدین دوباره در سال ۱۳۶۰ با فیروزه اطهری (دانش‌آموخته معماری) که از دانشجویان خودش بود، ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر به نام‌های تکین و تارا شد. اکنون او در تهران زندگی می‌کند و بیشتر وقت خود را در آتلیه شخصیش در این شهر سپری می‌کند. این آتلیه محل کار او بر روی نقاشی‌ها و پژوهش‌های هنری وی، و نیز محل نگهداری ظروف و اشیای قدیمی مربوط به سده‌های گذشته است که وی در کارهای خود از آن‌ها بهره می‌گیرد. او همواره در هنگام کار به موسیقی گوش می‌کند، چرا که به گفته‌اش «بدون موسیقی اصلاً نمی‌تواند کار کند.»

سبک

در آغاز ورود به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، آغداشلو استادانی داشت که به گفته وی «هر کدام ساز خود را می‌زدند و پیروی از همه‌شان باعث سردرگمی می‌شد.» در آن هنگام نقاشی دقیق و طبیعت‌گرا کهنه و کنارگذاشته شده به شمار می‌آمد و هنرهای نوینی چون کوبیسم تشویق می‌شدند. آغداشلو اما روش کار دقیق و «استادکاری» را پی گرفت. به گفته وی، آشنایی با شایگان و اشاره او به کارهای سالوادور دالی، نقاش

در سال ۱۳۵۶، آغداشلو به عنوان «مدیر امور فرهنگی و هنری دفتر مخصوص شهبانو فرح پهلوی» منصوب شد. و برای مدت ۲ سال، مشاور خرید آثار هنری از سوی آن دفتر بود.

او در سال‌های ۵۷-۱۳۵۵ در گشایش و راه اندازی موزه‌های رضا عباسی، آبگینه و سفالینه و هنرهای معاصر در تهران، و موزه‌های کرمان و خرم‌آباد همکاری داشت.

پس از انقلاب ۱۳۵۷

پس از انقلاب اسلامی ایران آغداشلو برای مدتی بیکار بود ولی سال ۱۳۵۸ به کار گرافیک روی آورد.

در ۱۳۵۹، آیدین کار خود را به عنوان مدرس در دانشکده هنر دانشگاه الزهرای تهران آغاز کرد و نقاشی را به شکل وسیع پی گرفت. اما پس از انقلاب فرهنگی کار خود را از دست داد. او در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰، در شرایط دشوار مالی نقاشی می‌کرد و در کلاس‌های نقاشی خصوصی تدریس می‌کرد.

در سال‌های آغازین دهه ۱۳۶۰، وی به تحقیق و نوشتن فیلم‌نامه برای دو فیلم تاریخی خط و کارگاه‌های سنتی برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی پرداخت و کلاس‌های نقاشی کارگاه آزاد «هنرکده زنگار» را راه‌اندازی کرد؛ جایی که خود برای مدت‌های طولانی در آن به تدریس پرداخت. کلاس‌های درس او همواره با استقبال بالایی روبرو بودند و هنرمندان مطرحی از نسل نوی نقاشی ایران در آن‌ها آموزش دیدند. در ۱۳۶۲، وی به ساخت مجموعه «به سوی سیمرغ» درباره تاریخ نقاشی ایران از آغاز تا سده چهاردهم قمری در صدا و سیما کمک کرد.

آغداشلو برگزارکننده و ترتیب‌دهنده نمایشگاه‌های بسیاری پس از انقلاب در ایران بود که اگرچه هیچ‌کدام از آن‌ها نمایشگاه اختصاصی کارهای او نبودند، اما نقش مهمی در شناساندن هنر معاصر ایران به مردم درون کشور و بیرون از آن داشتند.

فراواقع‌گرایی اسپانیایی، باعث شد تا در کارهای خود آنچنان وفادار به صورت واقعی و دقیق اجسام نباشد و کارهایش در عین نزدیکی به صورت واقع‌گرایانه کمال‌الملکی، دارای فرمی آزاد باشند. توانایی او در نقاشی واقع‌گرایانه پیشتر باعث شده بود تا در سن ۱۷ سالگی، نقاشی تصویرهای کتاب‌های درسی تاریخ نوشته شده توسط باستانی‌پاریزی را به او بسپارند.

علاقه آغداشلو به وارد کردن فضاهای سورئال در کارهای خود و نقاشی کردن اشیای معلق از سن ۳۰ سالگی در او آغاز شد. در این دوره، کارهای او را اشیایی معلق تشکیل می‌دادند که سایه‌شان بر زمین می‌افتاد. چنین طرح‌هایی از اجسام کسان معلق در فضا با سایه‌های بر زمین در آغاز توسط ساندرو بوتیچلی کار شده بود و آشنایی پیشین آغداشلو با آثار سورئال دالی نیز علاقه‌اش را به این فضای کاری گسترش داد. آغداشلو از نابودی تدریجی و طبیعی نقاشی‌های رنسانسی بوتیچلی افسوس فراوان می‌خورد و ۳۰ سالگی، آغازی برای وی بود تا این اندوه و افسوس را با نابودی پرتره‌ها به تصویر بکشد. او در فضایی سورئالیستی آدمک‌هایی را به تأثیر از جورجو دکی ریکو کشید که صورت نداشتند و بعدها بخش بزرگی از مجموعه سال‌های آتش و برف وی شدند. به گفته وی، نقاشی از چنین آدمک‌های بی‌چهره‌ای به او کمک کرد تا سخن ناخودآگاه مرموز و وهم‌آمیز را در قالب نقاشی به زبان بیاورد. در دوره پس از برگزاری نمایشگاه نقاشی انفرادی خود در انجمن ایران و آمریکا، آغداشلو بیشتر به نقاشی از خود نقاشی می‌پرداخت؛ او با انتخاب آثار هنرمندان دوره رنسانس و نگاه به نقاشی آن‌ها، به ایجاد روایتی شخصی از آن کارها می‌پرداخت. این تقلید از هنر پیشینیان او را می‌توان به علاقه شخصیش به تاریخ هنر و به ویژه تاریخ هنر در دوره رنسانس ایتالیا مربوط دانست. آثار او در دوره پیش از انقلاب

۱۳۵۷، مملو از گرایش به رنسانس و مکتب فلاندری است. با این حال با گذر زمان و تغییر مظاهر زیبایی در ذهن وی، آنچه که در نقاشی‌هایش نابود می‌شد نیز تغییر کرد؛ چنان‌که پس از انقلاب، هنر ایرانی - همچون نگارگری و خوشنویسی - جای هنر ایتالیایی را در کارهای او گرفت.

بازسازی واقع‌گرایانه از کارهای مهم و مطرح تاریخ هنر بیشتر سبک آغداشلو در دوران نوجوانی و جوانی را تشکیل می‌داد. او در آغاز به دلیل دلبستگی نظری به این کارها، نوآوری در آن‌ها انجام نمی‌داد؛ ولی در سال‌های بعد و با بیشتر شدن علاقه وی به اندیشه انهدام و نابودی، همان نقاشی‌ها با فلسفه شخصی ترکیب شدند و چهره نابود و تاریک به خود گرفتند. در جوانی، آغداشلو به کتاب‌های خطی علاقه زیادی داشت و از آنجا که توانایی مالی خرید کارهای گرانبها را نداشت، به خرید آنچه می‌پرداخت «که کسی نمی‌خرد»؛ کتاب‌های خطی و نسخه‌های پاره و مچاله شده که سپس به ترمیمشان می‌پرداخت. مسیر ترمیم و بازسازی این آثار کهن اما، با گذر زمان در آثار نقاشی وی روند معکوس به خود گرفت و به نابودی و مچاله کردن دوباره آن آثار رسید.

آغداشلو اغلب نقاشی‌های خود را با گواش بر روی بوم می‌کشید. او در آغاز تکنیک به کارگیری گواش را برای دو مجموعه خاطرات انهدام و سال‌های آتش و برف و نقاشی‌های بزرگ ۱۰۰ در ۷۰ سانتی‌متری به کار برد. برای دهه‌ها، به کار بردن گواش روش مورد علاقه نقاشی توسط وی بوده است چرا که استادکاری مورد نیاز را به او می‌بخشید. بهره‌گیری از آبرنگ نیز در مجموعه‌های دیگری چون یادداشت‌های باغ ملک و منظره‌های بی‌اهمیت دنبال شده است. وی از رنگ فیروزه‌ای ملایم در کارهای خود برای ایجاد حس آرامش در فضای غمگین نقاشی‌ها بهره می‌گیرد. کارهایی چون مرگ ویکتوریا (۱۹۸۰) و طوفان شن (۱۹۸۰)، که

کهن را خریداری و مرمت می‌کرد، آغاز به کار بر روی خاطرات انهدام کرد. در سال ۱۳۹۲، گزیده‌ای از نقاشی‌های این مجموعه از وی در نمایشگاهی در دبی به نمایش درآمدند. مجموعه سال‌های آتش و برف نیز دیگر مجموعه مهم آغداشلو به شمار می‌رود که وی کار بر آن را در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۶ آغاز کرد. نمونه‌های این مجموعه شامل انسان‌هایی با کله چوبی الهام‌پذیرفته از جورجو دکی ریکو می‌شوند که به ظاهر موقعیتی بالا و استثنایی دارند، اما اغلب در پس زمینه‌ای سرد و برفی قرار گرفته‌اند و از واقعیت‌های پیرامون خود آگاه نیستند. مجموعه نقاشی‌های آغداشلو که عمده کارهایش در یکی از این مجموعه‌ها جای می‌گیرد از این قرارند:

- . خاطرات انهدام
- . سال‌های آتش و برف
- . فاجعه آخرالزمان
- . معما
- . شفاعت فرشتگان
- . یادداشت‌های باغ ملک

نقاشی‌های آغداشلو در موزه هنرهای معاصر تهران و در برخی مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شوند. او چند نقاشی نیز برای چند جلد کتاب از بهرام بیضایی مانند عیارنامه، دیباچه نوین شاهنامه و طومار شیخ شرزین کشیده است.

گرافیک

پوسترهای گرافیکی آغداشلو برای نمایشگاه‌ها، کتاب‌ها، و فیلم‌ها در برگیر موارد زیر است:

شبانه (۱۳۸۳)؛ به کارگردانی امید بنکدار و کیوان علیمحمدی - طراحی صحنه و لباس
هبوط (۱۳۷۲)؛ به کارگردانی احمدرضا معتمدی - طراحی پوستر
کفش‌های میرزا نوروز (۱۳۶۴)؛ به کارگردانی محمد متوسلانی و نویسندگی داریوش فرهنگ - طراحی پوستر

هر دو در اندک زمانی پس از انقلاب کشیده شده‌اند، با چنین رنگی تزنین شده‌اند. پس از انقلاب ۱۳۵۷ و جنگ ۸ ساله، بیشتر کارهای آغداشلو با تأثیر از از ویرانی‌های جنگ در نماد کلبه‌ها و مناظر متروک، پنجره‌های پوسیده چوبی سبز رنگ با شیشه‌های شکسته، درهای کهنه با قفل‌های زنگار بسته، و تصویر تیغه‌های مرگبار که نشانی از موشک‌های فرودآمده بر شهرها بود پدیدار شد. او کارهای دوران جنگ خود را تک‌چهره‌نقاش در ۴۸ سالگی و شفاعت فرشتگان نامید که بیانگر افسردگی و ناآرامی‌های ناشی از ویرانی جنگ و اعتراض بود.

مینیاتورهای وی، بازسازی‌های دقیقی از مینیاتورهای نامدار ایرانی در سده‌های پیشین هستند.

کارها: نقاشی

تا سال ۱۳۹۳ خورشیدی، آغداشلو در ایران تنها یک نمایشگاه تکی بر پا کرده بود. نمایشگاه ۱۳۹۳ در آبان ماه آن سال در گالری اثر در تهران آغاز به کار کرد و با استقبال بی‌مانند مردم مواجه شد تا آنجا که پلیس مجبور به مداخله در صف بازدیدکنندگان شد. پیش از آن، تنها نمایشگاه انفرادی آغداشلو در سال ۱۳۵۴ در انجمن فرهنگی ایران و آمریکا برگزار شده بود. آغداشلو علت برگزار نکردن نمایشگاه از سوی خود را عدم دست یافتن به کشف و شهود تازه از سوی خود دانسته است؛ چرا که او بر این باور است که نمایشگاه هنری «هنگامی باید برپا شود که هنرمند مردم را برای دیدن کشف تازه‌اش دعوت می‌کند.»

از جمله مهم‌ترین مجموعه‌های نقاشی آغداشلو، مجموعه خاطرات انهدام است که از جمله ماندگارترین مجموعه آثار هنری در تاریخ معاصر ایران شناخته می‌شود. آغاز کار آغداشلو بر روی این مجموعه به سال ۱۳۵۴ باز می‌گردد و تا اکنون نیز ادامه دارد. او در جوانی و هنگامی که خوشنویسی‌های

حاجی واشینگتن (۱۳۶۱)؛ به کارگردانی علی حاتمی - طراحی پوستر

نوشته‌ها

نوشته‌های آغداشلو در باره هنرهای تجسمی معاصر و گذشته ایران و جهان در زمینه‌هایی مانند هنر کهن ایرانی، مینیاتور، نقاشی، سفالگری، کاشیکاری، و نقد فیلم بوده‌اند. او از جمله هواداران هنر ایرانی-اسلامی و خوشنویسی است. او تلاش کرده‌است تا هنرمندان قدیمی مانند میرزا رضا کلهر، آقا لطفعلی شیرازی، و خوشنویسان و نگارگران سده‌های ۱۲ و ۱۳ قمری را به دیگر بار بشناساند. آغداشلو همچنین سفرنامه‌هایی از مسافرت‌هایش به سوئیس و نیویورک در آمریکا، نوشته‌است.

کتاب‌شناسی

از جمله کتاب‌های آغداشلو می‌توان این‌ها را نام برد:
 از خوشی‌ها و حسرت‌ها- برگزیده مقاله‌ها ۱۳۵۳-۱۳۷۰، انتشارات کتاب آبان
 آقا لطفعلی صورتگر شیرازی - درباره لطفعلی شیرازی، نقاش دوران قاجار.
 سال‌های آتش و برف - کارهای مربوط به مجموعه‌ای با همین نام، انتشارات کتاب آبان
 از پیدا و پنهان - گفتگویی بلند با اصغر عبداللهی و محمد عبدی
 گفتارها و گفتگوهای دیگر برگزیده مقاله‌ها و گفتگوها، ۱۳۷۸-۱۳۸۱، انتشارات کتاب آبان
 آسمانی و زمینی- نگاهی به خوشنویسی ایرانی از آغاز تاکنون، گفتگوی بلند با قاسم هاشمی‌نژاد، انتشارات کتاب آبان
 این دو حرف - مجموعه مقالات وی در زمینه‌ها و زمان‌های گوناگون در مجله‌ها و روزنامه‌ها.
 از دور و نزدیک- ۴۵ مقاله و گفتگو درباره سینما، ۱۳۵۳-۱۳۹۰، انتشارات کتاب آبان
 نیمه دیگر - مجموعه کارهای سنتی و

مرمت‌گری آغداشلو شامل نمونه‌هایی از کارهای وی در موزه رضا عباسی. حرف آخر- مجموعه مقالات از ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۳، انتشارات کتاب آبان

افتخارات

آیدین آغداشلو، در مراسمی که روز سه شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۹۴ در سفارت فرانسه در ایران برگزار شد نشان هنر و ادب شوالیه فرانسه را دریافت کرد. اگر می‌خواهید استاد را به روایت استاد بشنوید پادکست شماره یکم ارته باکس پیشنهاد خوبی برایتان خواهد بود. آنجا آیدین آغداشلو از دوران کودکی و جوانی خود برایمان صحبت می‌کند. برای مشاهده گفتگوی تصویری می‌توانید به سایت ارته باکس (artebox.ir) مراجعه کنید.
 بی شک این فرخنده استاد بزرگ الگوی شایسته‌ای برای نوجوانان عرصه هنرهای تجسمی و سایر حوزه‌ها خواهند بود. چرا که این سوابق درخشان و چشمگیر بدون اغماض اراده‌ی پولادین غلبه بر چرخ گردون را طلب می‌کند.
 برای کشف تمام جهان شاید نیاز نیست لزوما جهانگرد شوی جهان جایی وصل آسمان رویاهای توست تنگ در آغوشش بکش و در سایه وش شوریدگی سبک سری ات شرقی شو
 اینجاست که شهر بزرگ تو بنا میشود...

منابع:

سایت تابناک
 دانشنامه آزاد ویکی پدیا
 سایت برترین‌ها
 سایت ارته باکس

دنبه‌شنه

نشر نرایی

مواظب رنگ احساسات باش. مواظب باش یه وقت لا به لای این شلوغی‌ها و روز مرگی‌ها رنگ پریده نشده باشن. اصلا گاهی اوقات لازمه از هیاهو و همهمه‌ی مردم شهر دور شی. دست خودتو بگیری و به یه گوشه‌ی دنج ببری ... یه قلمو برداری و گرد و غبار روزمرگی رو از زندگیت پاک کنی. رویاهاتو نقاشی کنی و بعدشم روشن رنگ واقعیت بپاشی . شاید اینطوری بشه، زندگی رو با همه‌ی پیچیدگی‌هاش، ساده گرفت. گاهی اوقات تمام دنیای تو به اندازه‌ی یه بوم نقاشی میشه. انتخاب با خودته؛ می‌تونی یه نردبون بکشی تا خود خدا ، می‌تونی یه دریا بکشی و ساعت ها توش غرق شی، می‌تونی پروانه‌ها ، قاصدک‌ها، شاپرک‌ها و پرنده‌ها رو هم به نقاشیت اضافه کنی! بعضی وقتا ، خود ستاره‌ها بهت چشمک میزنن که به بوم نقاشیت راهشون بدی ... می‌تونی گلای سوسن و یاس و بابونه رو نقاشی کنی و تو هواشون نفس بکشی. بعضی وقتا مثل همون دختر یا پسر کوچولوی هفده ،هجده سال پیش میشی که غرق بادبادک بازی و یهو به خودش میاد و می‌بینه گم شده ،ممکنه تو دنیای نقاشیات گم بشی؛ بعضی وقتا هم تازه خودتو پیدا میکنی...! خلاصه شو بگم، می‌تونی تو نقاشی هات زندگی کنی....

هنر کی اولین بار تونسته این کلمه رو برای توصیف یه دنیا شور و احساس و استعداد انتخاب کنه؟ مگه میشه یه دنیا عشق و علاقه رو تنها تو سه حرف خلاصه کرد ؟ چقدر واژه ها و کلمات برای بیان احساسات کوچیک و بی اعتبارند.

بی خود نیست که تا می‌خوایم از احساسات عمیقمون حرف بزنیم، نفسمون بند میاد و سکوت می‌کنیم! شاید واژه ها از عهده بیان واقعیت بر نمیان. کدوم واژه می‌تونه اون حس قشنگی که بعد از خیس شدن زیر اولین بارون بهاری داشتیم رو توصیف کنه؟ نگاه پرمهر مادر، پشت کدوم کلمه‌ها میتونه قایم بشه؟ مگه اون لبخند شیرینی که بعد از برآورده شدن قشنگ ترین آرزو، رو لبامون نشسته، قابل وصفه ؟ اصلا اگه میشد درباره‌ش حرف زد که دیگه دلیلی برای نقاشی کردن نبود !!!

نقاشی یعنی همین ! همین که یه قلمو برداری و اونو به رنگ احساسات آغشته کنی. به هیچ صدایی گوش نکن، هیسسسس !!

فقط به صدای قلبت گوش کن...حالا بذار دستات معجزه کنن. معجزه‌ای که همه رو به عشق مبتلا می‌کنه !! معجزه‌ای که به دیگران این فرصتو میده تا احساس تو رو، احساس کنن.



the eyes are the
WINDOWS
 to the soul

AMY CHRISTOPH
 ADAMS WALTZ
**BIG
 EYES**
 #BigEyesMovie

معرفی فیلم

هیم - رفهش



رابطه می شود. والتر خود را شخصی معرفی می کند که در مدرسه هنر پاریس درس خوانده و مسلط به نقاشی کشیدن است. در طول زندگی در سانسفرانسیسکو هسر سابقش او را با گرفتن حضانت دخترش تهدید می کند و مارگارت طی یک حرکت عجولانه با والتر ازدواج می کند تا والتر پناهی برای او باشد. مدتی نمی گذرد که نقاشی های مارگارت به شدت پرطرفدار می شوند و افراد زیادی ان ها را میخرند. والتر اما

فیلم چشم بزرگ ها درباره نقاشی به نام مارگارت کین است. داستان فیلم از صحنه ترک خانه توسط مارگارت آغاز می شود. مارگارت به همراه دخترش جین در سال ۱۹۵۶ همسر سرکوبگرش را ترک می کند و به شهر سانسفرانسیسکو نقل مکان می کند. مارگارت تصویر کودکان غمگینی را می کشد که چشمانشان از حد عادی بزرگترند. بعد از نقل مکان به سانسفرانسیسکو با شخصی به نام والتر کین آشنا می شود و با او وارد

با خواندن ایه هایی از انجیل درباره دروغ گویی و راست گویی تصمیم می گیرد که بعد از سال ها به این دروغ بزرگ پایان دهد و با روزنامه نگاری مصاحبه می کند و تمام داستان را فاش می کند. در نهایت مارگارت از والتر به دادگاه فدرال شکایت می کند. در دادگاه وکلای والتر او را ترک می کنند زیرا آن ها نیز متوجه شدند که والتر دروغگوست. سرانجام قاضی برای مشخص شدن نقاش واقعی دستور می دهد به والتر و مارگارت بوم و وسایل نقاشی بدهند و هر کس که در مدت یک ساعت بتواند نقاشی از بچه های چشم بزرگ بکشد نقاش واقعی است. مارگارت در ۵۳ دقیقه یک دختر چشم بزرگ می کشد در حالی که بوم والتر همچنان خالی است و مارگارت بعنوان برنده دادگاه و نقاش اصلی معرفی شد. والتر حتی بعد از پایان دادگاه نیز شکست را نپذیرفت و تا لحظه مرگش (سال ۲۰۰۰) معتقد بود نقاش واقعی او است. مارگارت اما بعد از طلاق از والتر با شخص دیگری ازدواج کرده است و در امریکا زندگی می کند ۹۳ سال دارد و هنوز هم نقاشی می کشد. وقتی از مارگارت پرسیدند چرا چشم های شخصیت هایشانقدر بزرگ هستند گفت: چشم ها پنجره ای به روح ما هستند من به کمک چشم ها روح را نقاشی می کنم..

این فیلم در سال ۲۰۱۴ به سبک درام توسط تیم برتون ساخته شد. بازیگر نقش مارگارت ایمی ادامز و بازگر نقش والتر کریستف والتس است و روایتگر دزدی هنری است.

به مارگارت اجازه نمی دهد که خود را نقاش این اثر معرفی کند و به مارگارت می گوید اگر مردم بدانند این نقاشی ها کار یک زن است دیگر طرفداری نخواهند داشت و از مارگارت می خواهد زیر تمام نقاشی های چشم بزرگ اسم والتر کین حک شود. مارگارت نیز با اکره قبول می کند. فروش نقاشی های چشم بزرگ انقدر رونق می یابد که حتی افراد از خارج نیز برای خریدن آن ها و ملاقات با نقاش این اثر به امریکا سفر می کنند. والتر در تمام این ملاقات ها هرگز به مارگارت اجازه نمی دهد که خود را بعنوان صاحب اثر اصلی معرفی کند. به مدت ۱۰ سال این دروغ در جامعه جهانی ادامه داشت و حتی در تمام این مدت جین دختر مارگارت نیز از این قضیه بی خبر بود و فکر می کرد والتر همه نقاشی ها را می کشد زیرا والتر برای مارگارت اتاق اختصاصی تعیین کرده بود و هیچ کس به جز مارگارت و خودش حق ورود نداشتند. یک روز جین کلید اتاق را پیدا می کند و از قضیه مطلع می شود و از مادرش به شدت عصبانی می شود. در این میان مارگارت اتفاقی متوجه می شود که والتر نه تنها به پاریس نرفته است بلکه حتی نقاش هم نیست و از ابتدا به او دروغ گفته است و اسمی که در زیر نقاشی های دوران مدرسه او ثبت شده اسم شخص دیگری است و والتر اسم او را با رنگ محو کرده و اسم خودش را روی آن نوشته است. بعد از اشکار شدن این موضوع میانه مارگارت با والتر به شدت سرد می شود. بعد از آن که یکی از آثار مارگارت در یک نمایشگاه توسط یک منتقد شدیداً نقد می شود والتر شدیداً با مارگارت دعوا می کند و حتی قصد سوزاندن او و دخترش را می کند زیرا معتقد بود مارگارت عمداً نقاشی را به نحوی کشیده که والتر را سرافکنده کند. مارگارت و دخترش برای بار دوم فرار می کنند اما این بار به هاوایی. در هاوایی مارگارت با گروهی از مبلغان دین مسیح آشنا می شود که به او کتاب انجیل را می دهند. مارگارت

معرفی کتاب

ناره وفاپی



چشمهایش

نویسنده : بزرگ علوی

سال انتشار: ۱۳۳۰

تعداد صفحات : ۲۷۰

ماکان درگیرش بود یکدیگر را می‌بینند. در واقع فرنگیس برای دیدن استاد ، خود را به خطر می‌اندازد و وارد جریان‌های سیاسی می‌شود. فرنگیس عاشق استاد بود. سرانجام ماکان تبعید می‌شود و در تبعید به طرز مشکوکی از دنیا می‌رود. او آخرین تابلوی خود « تابلوی چشم‌هایش » را در تبعید می‌کشد که متعلق به چشمان یک زن است. پس از این ماجرا ناظم مدرسه نقاشی استاد ماکان ، به دنبال صاحب این چشم‌ها می‌گردد....

در بخشی از کتاب می‌خوانیم :

ناظم : وارد تالار موزه شدم. چراغ روشن بود. با ولعی که هرگز در خود سراغ نداشتم به طرف پرده « چشم‌هایش » رفتم. گویی برای نخستین بار با این پرده رو به رو شده‌ام ، گویی سال‌ها شرح آن را شنیده و کپی‌هایی از آن دیده ، ولی خود آن را هرگز به چشم ندیده‌ام ، گویی از نو ، جوان شدم. چشم‌ها دیگر برای من معنی داشت. چشم‌ها اراده مرا هم سلب کرد. چند دقیقه‌ای به آن‌ها خیره شدم ، تمام فاجعه زندگی استاد در نظرم جان گرفت.

این کتاب از کتاب‌هایی بود که در تمام لحظات مطالعه‌اش با علاقه و بدون احساس خستگی می‌خواندم. پیوستگی داستان از ابتدا تا انتها حفظ شده بود. نویسنده از ابتدای کتاب سعی می‌کند ما را با فضای سیاسی زمان خود آشنا کند ، اما این کتاب یک رمان کاملاً سیاسی نیست و هرچه جلوتر می‌رویم جذابیت داستان بیشتر می‌شود.

موضوع کتاب چشم‌هایش:

فرنگیس ، دختری از خانواده ثروتمند ، به پیشنهاد پدرش ، نقاشی‌هایش را نزد استاد ماکان (نقاش معروف آن زمان) می‌برد تا نزد او آموزش نقاشی ببیند. اما استاد از کارهای فرنگیس نه تعریف می‌کرد و نه ایرادی می‌گرفت بلکه به سردی با او رفتار می‌کرد. این رفتار استاد در زندگی فرنگیس تاثیر زیادی داشت و او را نسبت به نقاشی کشیدن بی‌میل کرد. پس از آن فرنگیس تصمیم می‌گیرد برای یادگیری نقاشی به فرنگ برود. بعد از چندین سال وقتی که فرنگیس به ایران برمی‌گردد به واسطه فعالیت‌های سیاسی که استاد

روح نما

ابکا عباس زادگان



همه ی اینها را گفتم تا مقدمه ای شود بر موضوع این شماره یعنی هنر درمانی.



این رشته تلفیقی از هنر و روانشناسی است که در آن از هر دو موضوع یاد شده یعنی اثر هنر بر روح و اثر روح بر هنر، در بهبود خلیات و وضعیت روانی افراد استفاده میشود.

طبق تعریف انجمن هنردرمانی آمریکا؛ عیهدرمانی عبارت است از حرفه ای مربوط به سلامت روان که از فرایندهای خلاقانه هنری برای سلامت و بهزیستی جسمی و روانی و هیجانی افراد در همه رده های سنی استفاده کرده و سعی در بهبود و ارتقاء آنها دارد.

این طب بر این باور تکیه دارد که خود بیانگری هنری، به حل تعارض و مشکلات، تقویت مهارتهای ارتباطی، تنظیم رفتار، کاهش استرس و... کمک بسیاری میکند و بهترین بخش این اثر، بهبود

اگر فکر کرده اید که امروز قرار است روشی را یاد بدهم تا با آن بتوانید یک روح واقعی را ببینید، باید بگویم که درست حدس زدید. امروز قرار است روشی را معرفی کنم که بشود با آن یک روح آشنا را دید، میپرسید روح چه کسی؟ خب معلوم است دیگر روح خودتان!

اگر تعجب کردید که این مقاله چه ارتباطی با هنردارد، باید بگویم که اصلا همه چیز بر پایه هنر استوار است! همه ی ما حداقل یک بار راجع به هنر و اثر آن بر سلامت روان، شنیده یا خوانده ایم و باز هم همگی ما حداقل یک بار مورد نقد خانواده و اساتید قرار گرفته ایم. نقدهایی از این قبیل: چقدر زیبا صفحه را طراحی و رنگ کرده ای!

چرا اینقدر رنگهای تیره به کار برده ای؟ چرا اینقدر طرحهایت درهم برهم و آشفته است؟ و الی آخر...

اما در پس این حرفها دیدگاهی علمی وجود دارد که اگر فردی تخصص لازم را در آن زمینه داشته باشد، میتواند به خوبی نقاط تاریک و روشن وجود ما را از روی آن تشخیص دهد. و اینجاست که آثار ما آینه روح ما شده و ناگفته های بسیاری را نقل میکنند.

تا اینجا بازتاب سلامت روان بر آثار هنری را توضیح دادم اما همانطور که میدانید آثار ما هم بر سلامت روان ما اثر دارند. برای مثال انجام کارهای هنری با کاهش استرس و اضطراب، باعث افزایش نشاط و شادابی و تقویت تمرکز میشود.

شاعر سعی در بیان احساسات درونی خود در قالب بناها و یا اشعار داشته!
 علت وسیع الطیف بودن هنردرمانی این است که "وجه غیرکلامی هنر، اساسیترین ویژگی نفوذ آن در ناخودآگاه است و این علم مسائلی را در بیماران پی میگیرد که در کلام کمتر فرصت بروز آن وجود دارد. و این ویژگی کلیدی به قلب مشکلات نهانی بیماران است. مشکلاتی که آنها از گفتن شان معذورند و یا از بیان آن میترسند. بیماران در این روش با خلق یک اثر جدید، تمام احساساتشان را در آن به نمایش میگذارند و برای همین است که این علم محدود به هنر خاصی نیست."
 "به نقل از دکترعلی زاده محمدی"

تاریخچه:

نخستین پایه گذار هنر درمانی نامبرگ است. او که با آینده های یونگ و فروید آشنا بود. هنر درمانی را با رویکرد روان تحلیلی مطرح کرد. در کل همه رویدادهای بالینی-فرافکنی بر اساس نظریه روان کاری فروید است. زیرا او معتقد بود رویاها، تصاویرامیال تغییر شکل یافته اند که با هنرنمایان میشوند.

بخشیدن سلامت روان با کمک خلاقیت است چون به افراد کمک میکند بدون نیاز به کلمات، خود را ابرازکنند زیرا در همان حال که مراجعه کننده با انجام دادن هنر مورد علاقه اش، آرامش می یابد؛ هنر درمان گر هم با تحلیل و بررسی آثار وی و همچنین پرسش از بیمار راجع به هنر نظرش نسبت به اثری که خلق کرده، دیدی گسترده نسبت به وضع روانی فرد به او میدهد که در بهبود بیمار بسیار موثر است.
 اثر بخشی این علم ناشی از آن است که هنر در مغز انسان مفهومی دارای تحول است و همه هنرها، به ویژه انواع دیداری مثل نقاشی، مجسمه سازی و طراحی؛ با رشد و تحول هوشی پیش میرود و با تحول تفکر شکل میگیرند.



هنردرمانی شاخه های متعددی دارد و هرچند که پرکاربردترین آنها نقاشی درمانی و نمایش درمانی است، اما بسته به تقاضای متقاضی میتوان کار با زغال، مدادرننگی، سفالگری، موسیقی درمانی و مواردمشابه را هم دنبال کرد زیرا در نهایت هدف بهبود روابط فردی و بین فردی در افراد است.

کارهای یونگ اما بر گسترش هنردرمانی تاکید داشت، زیرا خودش هم یک دوره طولانی دچار افسردگی بود و برای تسکین خود هرروز به ساحل رفته و با گل و آب و سنگریزه شکل های خلاق میساخت و بین خودش و تصاویروچیزهایی که ساخته بود گفتوگویی را شکل داده و مسائل درونی اش را آشکار و بازنمایی میکرد و هر وقت هم

اما آنچه که این طیف را جالبتر میکند، این است که به کاربردن طنزهای مشخص در اشعار و ایهام و کنایه ها، و همچنین معماری های مفهومی هم در این طبقه بندی قرار دارند که این ویژگی به کرات در معماری های ایرانی و اشعار قدیمی ایران به چشم میخورد زیرا در این موارد هم معمار یا

و هدف هنردرمانگر صرفاً بر جسته سازی خلیقات فرد است و نه آموزشهای تکنیکی و نقدهای حرفها ای از مراجعه کننده.

انواع هنر درمانی: هنر درمانی در دو نوع گروهی و فردی انجام میشود که انتخاب نوع درمان متناسب است با میل مراجعه کننده و تشخیص درمانگر وی است. در نوع گروهی، افراد در کنار یکدیگر به خلق آثار پرداخته و سپس آثارشان را در معرض دید همگان قرار میدهند تا هم گروهی ها آن را تحلیل کرده نظرشان را نسبت به اثر وحس و حال طراح آنها بیان کنند. اما در نوع فردی صرفاً متقاضی و درمانگر حضور دارند و در نهایت هنردرمانگر از فرد میخواهد تا خودش آثار را تحلیل کند و هدف از خلق آنها را بیان کند تا اینگونه بیشتر بر خلیقات و روان خویش تسلط یابد.

هیچ یک از این دو روش بر دیگری برتری ندارد و آنچه که در نهایت مهم است؛ نتیجه این درمان است یعنی افزایش اعتماد بنفس فرد ناشی از دیدن نقاط قوت در آثارش، کاهش اضطراب در نتیجه آرامش یافتن (چه ذهنی و چه جسمی) و همچنین انجام دادن فعالیت مورد علاقه و در نهایت هماهنگی بین اعضای مختلف بدن به واسطه افزایش قدرت تمرکز و تقویت ارتباطات بین سیناپسی.

محدوده سنی هنر درمانی: هر چند که کودکان در بیان احساساتشان آزادانه تر و با خلاقیت بیشتری عمل میکنند، اما با توجه به اینکه این طب به دنبال هنر مند ساختن از فرد متقاضی نیست، لذا در هر سنی کاربرد دارد و محدود به گروه خاصی نیست.

شاخه های هنردرمانی: نقاشی درمانی: رایجترین نوع هنردرمانی است که در آن از طریق عناصری مانند خطوط و تصاویر؛ جهت و اندازه اشکال و صحبتها و تفسیرهای بیمار راجع به اثرش، میتوان به ویژگیهای عاطفی، ناکامی، فشارها و تمایلات درونی بیمار پیبرد. این بیان نظر بیمار راجع به آثارش، راهی

که به بحرانهای شخصی دچار میشد، برای بازنمایی تجارب و تصورات درونی خود، به طراحی و نقاشی و مجسمه سازی میپرداخت و این روش را به بیمارانش هم توصیه میکرد و نام این کار را تخیل فعال گذاشته بود. که بعدها از مهمترین تکنیکهای روانشناسی تخیلی و هنر درمانی تحلیلی یونگ شد. یونگ بیمارانش را به ساختن تصاویر سه بعدی از رویاهایشان فرا میخواند.



اساس هنر درمانی:

در کتاب مرجع هنر درمانی نوشته کتی مالدیوچی آمده: در اغلب جلسات هنر درمانی، تمرکز روی تجربه های درونی (احساسات و ادراکات و تصورات) خود شخص است. با وجودی که هنردرمانی ممکن است باعث یادگیری مهارتها یا تکنیکهای هنری گردد، اما تاکید آن به طور کلی، ابتدا بر ایجاد و بیان تصاویری است که از درون فرد برمی آیند و نه آن چیزهایی که در دنیای خارج میبینید و هرچند که گاه حتی در کلاسهای سنتی هنر هم ممکن است از شما خواسته شود و از روی تصورات و تخیلتان طراحی و نقاشی کنید، اما در هنر درمانی دنیای درونی تصاویر، احساسات، افکار و ایده های شما همواره در درجه اول اهمیت قرار دارد. بدان معنی که هرچند اغلب، افرادی که این درمان را آغاز کرده اند، در اثر تکرار و تمرین مداوم، هنرمندان قابلی میشوند اما این روش راهی برای هنرمند شدن نیست

کودک خطی عمودی و ساده کشیده اما آن را درخت مینامند. ما هرگز اجازه نداریم او را اصلاح کنیم برای مثال بگوییم «این درخت نیست»

خط خطی کردن هم یکی از روش هایی است که شیوه خاصی ندارد و فقط کافی است قلم را آزادانه بر کاغذ حرکت دهیم و در نهایت سعی کنیم بین خط خطیها اشکال جدیدی پیدا کنیم.

برای تغییر در خودآگاهی فرد فراهم میکند. زیرا اغلب، افراد متوجه نمیشوند که نظرشان نسبت به اثر، همان بیان مسائل درونی شان است و آنچه میسازند نمادی از حالت روحی آنها است.

در این بین باید توجه کرد که خط خطی های کودکان، خودگویی داستانی است که در ذهن کودک میگذرد پس هرگز نباید او را اصلاح یا نقد کرد. به طور مثال گاه



تصویر حس امیدواری و رضایت



تصویر حس شادی و خوشحالی

از خلیات بیمار را بر ما نمایان میکند. هنر درمانی دیجیتال: این شاخه هنردرمانی، نوینترین شاخه این رشته است که میتواند از نقاشی تا کلاژ را در برگیرد برای مثال در نوع کلاژ دیجیتال، فرد از عکسهای مختلفی که دانلود کرده و یا در گالری دارد، با کمک نرم افزارهای ویرایش تصویر، کلاژی خلاقانه را میآفریند. البته این شاخه محدود به نرم افزارها نیست و حتی صفحات اینستاگرامی یا کانالهای تلگرامی ای که فرد دنبال میکند، خود بیانگر احساسات و طرز فکر و دغدغه های مراجعه کننده است.

هنردرمانی انواع دیگری هم دارد که پیشتر به اختصار به آنها اشاره شده و در کل هر تکنیکی که به کار گرفته شود، در درمان اختلالاتی گوناگونی از جمله علائم اختلالات اوسپرستم، افسردگی و استرس پس از سانحه و ... کاربرد دارد.

این روش نیز به دو شیوه فردی و گروهی قابل انجام است. یعنی یا خود فرد خط خطی کرده و سپس طرح جدید از بین خط خطیهایش پیدا میکند و یا افراد گروه هرکدام خطی را روی یک صفحه کاغذ کشیده و در نهایت این کاغذ که خط خطی همه اعضا را شامل میشود، در اختیار افراد قرار میگیرد تا با هم فکری هم طرح هایی جالب از بین آنها پیدا کنند.

البته میتوان از افراد خواست که هر یک خط زندگی خویش را رسم کند. این روش راهی است برای آگاهی یافتن فرد نسبت به بخشهای مختلف زندگی اش، و پیوستگی آنها.

به طور کلی خطوط مورد استفاده دو دسته اند. یا عمودی و منظم اند که منطق را نشان میدهد و یا منحنی و پویا هستند که بیانگر احساسات است و همین دو ویژگی بسیاری

چه افرادی میتوانند متقاضی هنردرمانی باشند:

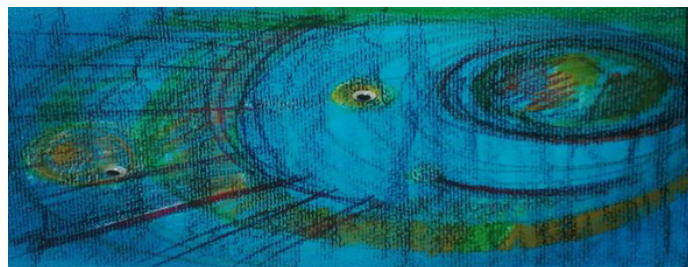
هرچند که این درمان در بسیاری از اختلالات توجه و تمرکز میتواند مورد استفاده قرار گیرد و در بسیاری از موارد هم میتواند همراه با سایر روشهای روان درمانی مثل گروه درمانی یا درمان شناختی - رفتاری به کار گرفته شود، اما مواردی که هنر درمانی میتواند در آنها بسیار موثر واقع شود را به اختصار ذکر میکنم.

۱. کودکان با ناتوانی های یادگیری
۲. بالغین با استرس شدید
۳. کودکان رنج برنده از مشکلات رفتاری و اجتماعی، در مدرسه یا خانه
۴. آنها که مشکلات سلامت روان دارند یا از آسیبهای مغزی در رنج اند
۵. کودکان یا بالغینی که در معرض رویدادهای آسیب زا هستند
۶. کشف احساسات
۷. افسردگیها
۸. افراد با بیماریهای جسمی و معلولیت
۹. افرادی که قصد ترک اعتیاد دارند
- و...

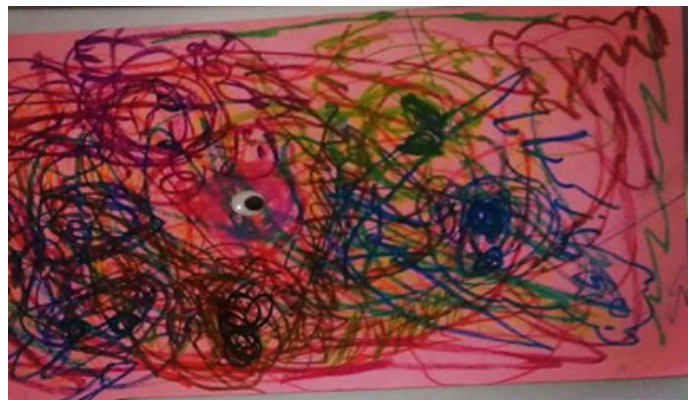
لجبازی به شکل گره هایی است که با محکم نگه داشتن آنها، تعدادشان چند برابر میشود و همچنین دیوارهای بلندی را در اطراف فرد میسازند که باعث انقباض تمام عضلات او میشود و هنگامه توجه بیش از حد و مواقعی است که حمایت ناسالم میشود.



به تصویر کشیده شدن احساس گیجی توسط کودک ۹ ساله او گیجی را به منظومه شمسی تشبیه کرده . انگار اجرام سنگینی در سرش در حال چرخشند.



به تصویر کشیده شدن احساس عصبانیت در همان کودک عصبانیت شبیه کلافهایی سر در گم است. انگار سر نخ به سختی پیدا میشود.



فواید هنر درمانی:

- ۱- جلوگیری از آلزایمر به واسطه هماهنگی بین اعضا و ایجاد ارتباطات بین سیناپسی جدید
- ۲- درمان اضطرابها و حتی اختلالات خوردن ، ناشی از آرام بخشی و کاهش استرس افراد
- ۳- کاهش ضربات و فشارهای روحی و تسهیل فرایند ترک اعتیاد و انزوای ناشی از آن
- ۴- بهبود روابط بین فردی
- ۵- آگاهی از جنبه های گوناگون شخصیت و در پی آن شناخت استعدادها و توانایی های فردی
- ۶- افزایش عزت نفس
- ۷- کمبود نشانه های افسردگی
- ۸- کنار آمدن با بیماریهای جسمانی و معلولیتها

تحصیل در این رشته:

متخصصان هنر درمانی در زمینه های هنر و روانشناسی همزمان تحصیل میکنند و علاوه بر دریافت مدرک، لازم است به مجموعه های از توانایی هاهم تسلط یابند.

با تشکر از دکتر زهرا صابر، روانشناس و استاد دانشگاه

@zahrasaber64

و مرکز هنردرمانی رهنمون :

@rahnemon.orttherapy

پیش داوری به پلکانی تشبیه شده که اوج گیرنده است و هرچند در ابتدا برای فرد خوشایند است (رنگهای روشن) اما بعد از مدتی که مشخص شده برداشتهای فرد از افراد حقیقی نبوده و زاییده ذهن او هستند، جای خود را به حس شرمندگی و پنهان کاری میدهد. سپس تبدیل با انکار و در نهایت احساس گناه میشود (رنگهای تیره)



آثار عالی ها

یلدا سلیمی
ورودی ۹۹ پرستاری



مینا رضایی
کارشناسی شنوایی شناسی ۹۸

تکنیک quilling



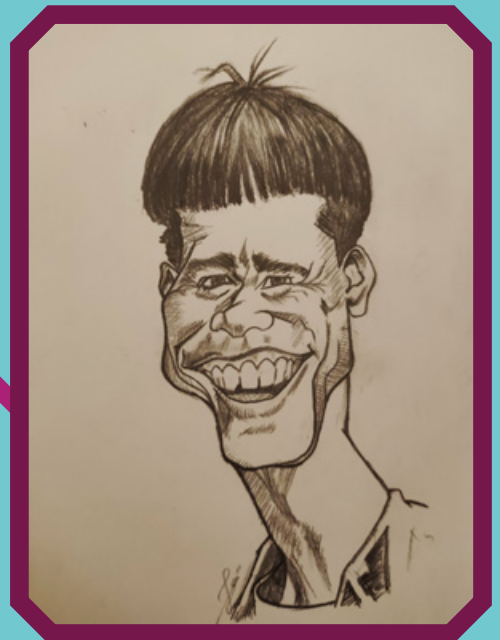
نہ ہر کہ طرف کلک جیج نہا

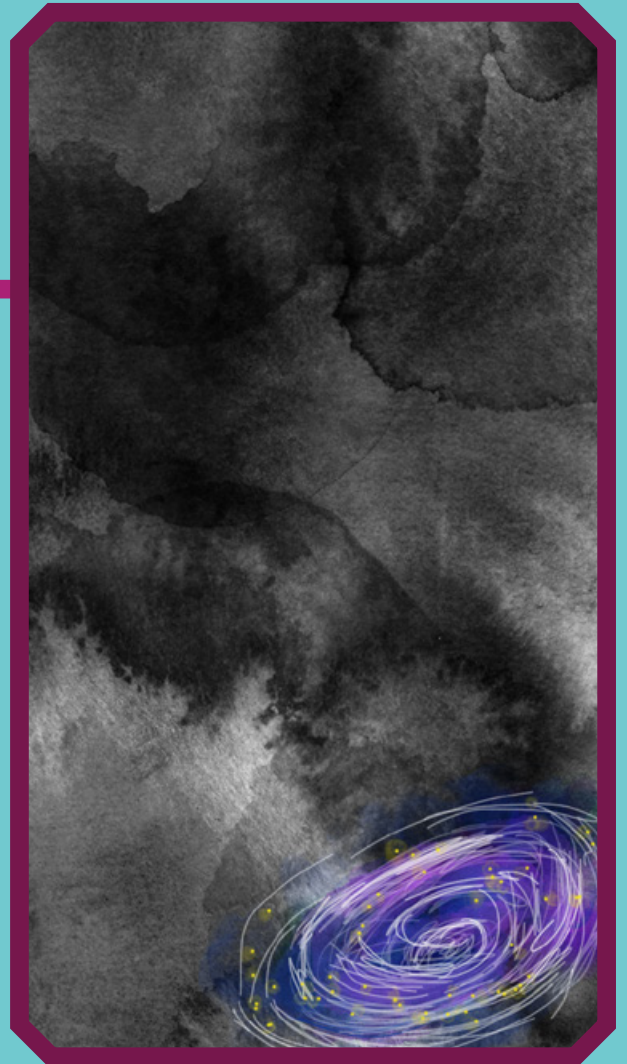
صبا صدری
کارشناسی ارتز پروتز ۱۴۰۰

اگر منسوم منسوم منسوم منسوم
منسوم منسوم منسوم منسوم



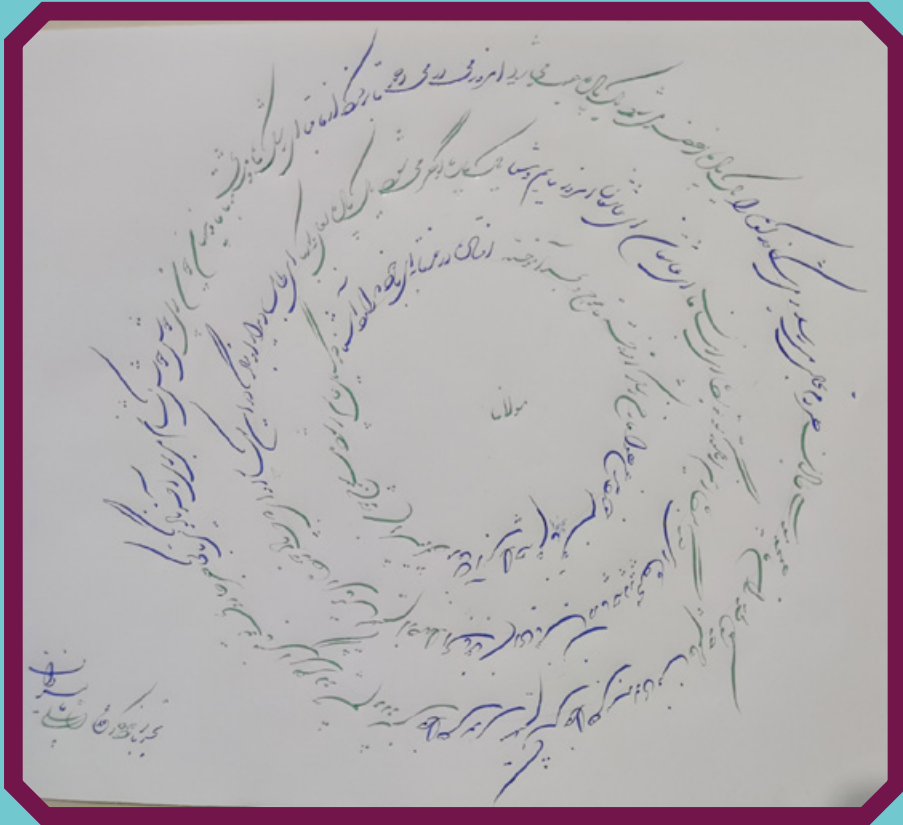
فرزین امیری حسینی
فیزیوتراپی ۱۴۰۰





محمد عادل موسوی نسب
فیزیوتراپی ۱۴۰۰

سعید کریمی نسب
پزشکی ۹۹
دانشگاه علوم پزشکی زنجان



عرفان پالیزدان
بینایی سنجی ۱۴۰۰

سعید کریمی نسب
پزشکی ۹۹
دانشگاه علوم پزشکی زنجان



درس سعادتی
کارشناسی شنوایی شناسی ۹۸
تکنیک: پاستل



نگار نوری
شنوایی شناسی ۱۴۰۰

سبک عکاسی خیابانی



درسا سعادت
کارشناسی شنوایی شناسی ۹۸

رنگ روغنی



سمیرا شکرپور
پرستاری ۹۹





آثار منتخب دانشجویان در شماره سوم نشریه ماهور



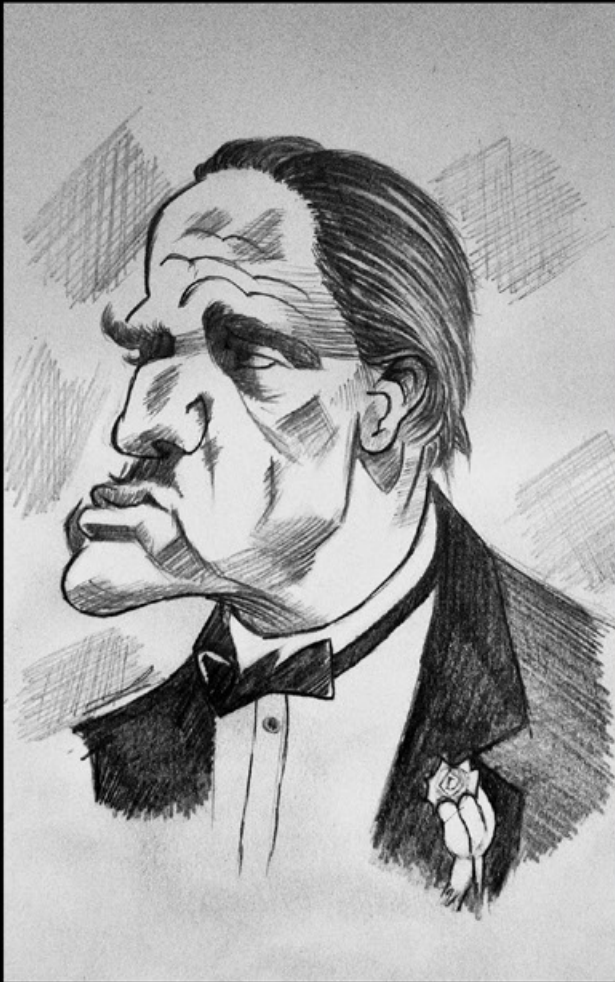
نقاشی پاستل
درس سعادت / کارشناسی شنوایی شناسی ۹۸



عکاسی لندسکیپ
نگار نوری / کارشناسی شنوایی شناسی ۱۴۰۰



کاریکاتور سیاه قلم
فرزین امیری مسینی / کارشناسی فیزیوتراپی ۱۴۰۰



سوال شما: چگونه آثارم را برای انتشار در مجله، به دستتون برسونم؟

شما هم می‌توانید آثار هنری زیبای خود را از طریق راه‌های ارتباطی زیر، برای هیئت تحریریه مجله ارسال کنید تا پس از گزینش، در بخش‌های مختلف شماره‌های آینده نمایش داده شوند:



@mahoor_iums